

Jurisdictional Immunities of States and Their Property in International Law: Analyzing the ICJ Decision in the Case of Certain Iranian Assets (Original Research)

Meisam Norouzi *
Saber Habibi Savadkahi **
Mehdi Shayanmehr ***
Seyyed Ali Tabatabai Nesab ****

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2021590.2501

Date Received: 31 Jan.2024

Date Accepted: 12 Feb.2024

Abstract

The principle of state immunity and the protection of state assets under international law have undergone a progressive evolution over time. Rooted in customary international law, this principle finds support in general and special treaties, customary rules, and judicial practice. It establishes that all property, locations, possessions, and tangible and intangible assets belonging to a State located in another jurisdiction must be respected and are to be accorded respect and safeguarded against any form of attack or interference by administrative or executive actions. However, exceptions to immunity have emerged in light of the evolving nature of international law. In this regard, the United States courts, invoking the Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act passed by Congress in 1996, have seized assets and properties belonging to the Iranian government, especially the bonds of Bank Markazi, on the grounds that Iran is considered a state sponsor of terrorism. Subsequently, Iran initiated legal proceedings against the United States before the International Court of Justice on June 14, 2016, alleging breaches of state immunity and the Treaty of Amity. The Court issued a jurisdictional ruling on February 13, 2019, and a substantive verdict on March 30, 2023. This research critically

* Assistant Professor in public of International Law, Department of law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author), m.norouzi@basu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran East Branch, Tehran, Iran, Sk.habibi@gmail.com

*** Student in International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Hamadan, Hamadan, Iran, mehdi.shayan.mehr@gmail.com

**** PhD. In International Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran East Branch, Tehran, Iran, Tabatabaali69@gmail.com



examines whether the Court considered (the assets of) the Central Bank of Iran as a sovereign and State entity entitled to immunity, or whether it construed the Bank as a corporate entity under the purview of the Treaty of Amity of 1955. Recruiting a descriptive-analytical approach to examine relevant treaties and court decisions, it concludes that, due to the sovereign nature of Bank Markazi of Iran, the seizure of assets belonging to this government institution falls outside the protective scope of the Treaty of Amity. Consequently, the Court possesses the authority to adjudicate on the issue of immunity concerning Bank Markazi. Notably, the Court's 2023 decision deviates from its previous 2019 decision, acknowledging the sovereign nature of Bank Markazi and the customary rule governing the dispute.

Keywords

Bank Markazi, International Law, International Court of Justice, Treaty of Amity, State Immunity, State Assets.



مصونیت اموال دولت در حقوق بین الملل با تأکید بر رأی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه برخی دارایی های ایران (پژوهشی)

میثم نوروزی *

صابر حبیبی سوادکوهی **

مهدي شایان مهر ***

سیدعلی طباطبایی نسب ****

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2021590.2501

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

چکیده

مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها به‌طور کلی به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل که در اساس، ریشه در عرف دارد، به‌تدریج و در فرآیند زمان، مسیر تحول و تکامل خود را طی کرده که این توسعه تدریجی مدیون معاهدات عام و خاص، قواعد بین‌الملل عرفی و رویه‌قضایی است که به موجب آن، تمامی اموال، اماکن، متعلقات و منضمات مادی و غیرمادی دولتی در یک کشور دیگر باید محترم شمرده شوند و مصون از تعرض و هرگونه اقدام اداری و اجرایی باشند. البته امروزه با تکامل حقوق بین‌الملل، استثنائاتی بر مصونیت وارد است. بر همین اساس، دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا بر اساس قانون مقابله با تروریسم و مجازات مؤثر (استثنایی جدید بر مصونیت دولت‌ها، مصوب ۱۹۹۶ کنگره)، اموال و دارایی‌های دولت ایران (به تلقی دولت حامی تروریسم) به‌ویژه اوراق قرضه بانک مرکزی را توقیف کردند. ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ با استناد

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران
m.norouzi@basu.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران
sk.habibi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران
mehdi.shayan.mehr@gmail.com

**** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران
tabatabaali69@gmail.com

به نادیده‌گرفته‌شدن مصونیت دولت و نقض عهدنامه مودت، دادخواستی علیه ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری ثبت کرد. دیوان در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ رأی صلاحیتی و در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ رأی ماهوی پرونده را صادر کرد. حال این پرسش مطرح است که آیا دیوان، اموال بانک مرکزی ایران را به‌عنوان نهادی حاکمیتی و دولتی شامل مصونیت دانسته یا اینکه شرکت به معنای عهدنامه مودت ۱۹۵۵ قلمداد کرده است؟ در این پژوهش با مطالعه معاهدات و تصمیمات دیوان، این رهیافت حاصل شد که به دلیل ماهیت حاکمیتی بانک مرکزی ج.ا. ایران، موضوع توقیف اموال این نهاد دولتی، خارج از حمایت‌های مقرر در عهدنامه مودت قرار می‌گیرد و دیوان، صلاحیت ورود به مصونیت بانک مرکزی را ندارد. در واقع برخلاف رویه سابق، دیوان از ماهیت حاکمیتی بانک مرکزی و قاعده عرفی حاکم بر دعوا آگاه بوده ولی در رأی ۲۰۲۳ از تصمیم ۲۰۱۹ خود منحرف شده است.

واژگان کلیدی

بانک مرکزی، حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری، عهدنامه مودت، مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها

مقدمه

مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها در حقوق بین‌الملل از موضوعات مهم برای دولت‌هاست زیرا با توجه به اصل برابری حاکمیت و استقلال دولت‌ها،^۱ هیچ دولتی نمی‌پذیرد که در دادگاه‌های داخلی دولت دیگر مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرد.^۲ از سوی دیگر، مصونیت قضایی دولت‌ها به معنای آن است که دادگاه‌های داخلی باید از پذیرش دعوا علیه دولت‌های خارجی خودداری کنند.^۳ در حقوق بین‌الملل، «مصونیت دولت به قواعد و اصولی حقوقی اطلاق می‌شود که دولت خارجی از اعمال صلاحیت (قضایی، تقنینی و اجرایی) دولت دیگر در امان خواهد بود».^۴ به عبارت دیگر، اصل برابری دولت‌ها از اصل حاکمیت ناشی می‌شود؛ به این معنا که در حقوق بین‌الملل، دولت‌ها دارای وضعیت حقوقی برابر هستند و بر اساس این اصل که «برابرها بر یکدیگر سلطه‌ای ندارند»، دولت‌ها از مصونیت برخوردارند و به واسطه آن، نباید بر سایر دولت‌ها، صلاحیت قضایی یا اجرایی اعمال کنند.^۵ بر این اساس در سطح بین‌المللی، تلاش‌هایی از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل برای جمع‌بندی و تدوین قواعد مربوط به مصونیت دولت‌ها انجام شد. در ۱۹۹۹ کمیسیون حقوق

1. Par in parem non habet imperium.

2. Malcom Shaw, *International Law*, 6th ed. (Cambridge University Press, 2008), 698.

3. Magdalini Karagiannakis, "State immunity and Fundamental Human Rights," *Leiden Journal of International Law* 11, (1998): 10.

4. Peter Malanczuk, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, 7th (Taylor & Francis e-library, London and New York, 2002): 118.

5. عباسعلی کدخدایی و علی داعی، «سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۷، ۴۳ (۱۳۸۹): ۱۴.

بین الملل بعد از مذاکرات متعدد و با تأکید بر مدنظر قراردادن تحولات قانونگذاری دولت‌ها و رویه‌های عملی موجود، متن نهایی معاهده را تهیه و در ۲۰۰۴ تصویب کرد. متعاقباً مجمع عمومی نیز به توصیه کمیته ششم، در ۲ دسامبر ۲۰۰۴ متن را در ۳۳ ماده، ۶ بخش و یک ضمیمه پذیرفت. برخی از کشورها با الهام از این معاهده، در سیستم حقوقی خود، اقدام به تدوین قانون داخلی در چهارچوب مفاد کنوانسیون مذکور کردند و برخی بدون تدوین قانون داخلی، مفاد کنوانسیون را تصویب کرده و خود را مقید به پیروی از آن دانسته‌اند.^۶

در سالیان گذشته با پیدایش مفهوم مطلق حاکمیت، دولت‌ها نیز برای خود مصونیت مطلق قائل بودند. با این حال با توسعه و تحول حقوق بین الملل و تنوع بازیگران بین المللی، تغییرات محسوسی در مفهوم حاکمیت مطلق به وجود آمد و تعدادی از کشورها را بر آن داشت که مواضع خود را بر مصونیت قضایی نسبی تطبیق داده و اساساً آن را به اعمال حاکمیتی دولت محدود کنند نه اعمال تصدی‌گری.^۷ به عبارتی، قلمرو مصونیت دولت‌ها، منحصر به رعایت پاره‌ای مصالح و منافع نمانده است و دکترین مصونیت محدود دولت‌ها پذیرفته می‌شود.^۸ دکترین مصونیت محدود، مبتنی بر این فرض است که چون دولت‌ها در بسیاری از امور بازرگانی مستقیماً مداخله می‌نمایند، دیگر نمی‌توانند با تکیه بر نظریه مصونیت، از زیر بار تعهدات خود در زمینه اعمال تصدی‌گری شانه خالی کنند.^۹ بر این اساس، طی سال‌های اخیر، اقدامات یکجانبه‌ای برای ایجاد استثنای جدید بر مصونیت دولت‌ها انجام شده است. نقض حقوق بشر، نقض قواعد آمره و تروریسم، سه دستاویز برخی از کشورها و در رأس آن‌ها، ایالات متحده آمریکا (از این پس: ایالات متحده)، برای ایجاد استثنا بر اصل مصونیت دولت‌هاست.^{۱۰}

کنگره ایالات متحده با حمایت دولت در ۱۹۹۶ با اصلاح قانون ۱۹۷۶ معروف به قانون مصونیت دولت‌های خارجی^{۱۱} و سپس تصویب قانون فلاتو^{۱۲} و همچنین در ۲۰۱۲ با تصویب قانون «کاهش

۶. مهشید کرباسی، علیرضا ظاهری، محسن عبدالهی و عباس کوچ‌نژاد، «مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها در پرتو حقوق داخلی کشورها (مطالعه موردی ژاپن و ایتالیا)»، مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۱، ۵۱ (۱۴۰۱): ۴۷.

7. Separate Opinion of Bennouna, in the case concerning Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening, 2012), para. 3.

۸. محسن عبدالهی، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین الملل (تهران: انتشارات اداره چاپ و انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲): ۱۲.

۹. سیدمرتضی خضری، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین الملل»، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی ۳، ۱ (۱۳۹۱): ۱۳۳.

۱۰. البته در کنوانسیون ۲۰۰۴ مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها، نقض حقوق بشر و قواعد آمره به‌عنوان استثنای بر مصونیت دولت‌ها مورد اشاره قرار نگرفته بود.

(Winston, Nagan and Root, Joshua, "The Emerging Restrictions on Sovereign Immunity: Peremptory Norms of International Law, the UN Charter, and the Application of Modern Communications Theory." UF Law Scholarship Repository, (2013): 427.

11. Foreign Sovereign Immunity Act.

۱۲. بر اساس قانون فلاتو، افراد آسیب‌دیده آمریکایی از حملات تروریستی در هر کجای جهان یا بازماندگان آن‌ها می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا علیه دولت‌هایی که (به ادعای واشنگتن) حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت و غرامت دریافت کنند.

تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه»، گامی بی‌سابقه برای ایجاد استثنایی بر مصونیت دولت‌هایی برداشت که به ادعای دولت ایالات متحده، حامی تروریسم هستند.^{۱۳} با شناسایی جمهوری اسلامی ایران (از این پس: ایران) به‌عنوان دولت حامی تروریسم، دعوای قابل توجهی از سوی اتباع آمریکایی علیه دولت ایران در محاکم آن کشور مطرح شد که در اکثر موارد با پیروزی خواهان به پایان رسید و در پی اجرای آرای صادره، دارایی‌های دولت ایران به‌ویژه اموال بانک مرکزی مورد توجه قرار گرفت و توقیف شد، که با اعتراض بانک مرکزی و شکایت این نهاد رو به رو شد ولی این اعتراض بی‌نتیجه ماند. در نهایت، دولت ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵) در مورد اختلاف پیرامون تخلف ایالات متحده از عهدنامه مودت و نقض مصونیت دولت‌ها، دعوایی را در دیوان بین‌المللی دادگستری (از این پس: دیوان) ثبت کرد.

ایران و ایالات متحده در ۱۹۵۵ (۱۳۳۴ شمسی) به منظور تشویق فعالیت‌های اقتصادی و تنظیم روابط کنسولی میان طرفین، «عهدنامه مودت روابط اقتصادی و حقوقی کنسولی»^{۱۴} را منعقد نموده بودند. موضوع دعوا عبارت است از اتخاذ یک سری اقدامات از سوی ایالات متحده، در تخطی از عهدنامه مودت که تأثیر منفی جدی بر توانایی ایران و شرکت‌های ایرانی (از جمله بانک مرکزی ایران) در اعمال حق‌شان برای کنترل و بهره‌مندی از اموال‌شان، از جمله اموال واقع در خارج از سرزمین ایران داشته است یا همچنان دارد.^{۱۵} دیوان در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ با اعلام صلاحیت خود، ضمن رد ایراد ایالات متحده در مورد صلاحیت دیوان، رسیدگی به پرونده را آغاز کرد و با بررسی اولیه ادعاهای طرفین دعوا، چنین اظهار داشت که بررسی دقیق اینکه بانک مرکزی در مفهوم «شرکت» موردنظر در عهدنامه مودت است یا خیر، دارای ویژگی ماهوی است و باید در مرحله ماهوی بدان رسیدگی کرد. بنابراین از ۲۸ الی ۳۱ شهریور ۱۴۰۱، جلسات استماع برای بررسی ابعاد ماهوی در دیوان مستقر در لاهه برگزار شد و نهایتاً در ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ دیوان اعلام کرد که به دلیل ماهیت حاکمیتی بانک مرکزی، موضوع توقیف اوراق قرضه این نهاد، خارج از حمایت‌های مقرر در عهدنامه مودت قرار می‌گیرد و دیوان، صلاحیتی برای ورود به آن ندارد.

۱. مصونیت قضایی دولت و اموال آن در حقوق بین‌الملل

دولت‌ها به منزله تابعان اصلی حقوق بین‌الملل باید بر مبنای استقلال، حاکمیت و برابری، از دادرسی و اقدامات اجرایی یکدیگر مصون باشند. این گونه بهره‌مندی که به نوعی می‌توان آن را امتیاز تلقی

۱۳. سیدحسام‌الدین لسانی و احمد کاظمی، «توقیف اموال ایران در امریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌های برون‌مرزی»، فصلنامه پژوهش رسانه بین‌الملل ۳، ۱ (۱۳۹۷): ۱۵.

14. The Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights.

15. International Court of Justice, Certain Iranian Assets (Iran v. United States), Application Instituting Proceedings, 14 June 2016.

کرد، تا حدود زیادی با مفهوم مصونیت قضایی و اجرایی کشورها انطباق دارد. به عبارتی هر کشور یا مقامات عالی‌رتبه حکومتی آن کشور در کشور دیگر، از یک سلسله امتیازاتی طبق حقوق بین‌الملل برخوردارند که به آن «مصونیت» می‌گویند. دارندگان چنین امتیازاتی، مصون از تعقیب و محاکمه و مصون از هرگونه اقدامی اداری و اجرایی و به‌طور کلی مصون از صلاحیت سرزمینی کشور دیگرند.^{۱۶} مصونیت قضایی دولت، در مفهوم کلاسیک یعنی یک دولت نمی‌تواند بدون رضایت خود، نزد دادگاه‌های دولتی دیگر، طرف دعوا قرار گیرد.^{۱۷} «مصونیت اجرایی عبارت است از معافیت دارنده آن از عملیات اجرایی، یعنی اجرای هر نوع عمل حقوقی، اعم از احکام اداری یا قضایی. در نتیجه این مصونیت، کشورها نمی‌توانند به قدرت عمومی متوسل شوند.^{۱۸} مصونیت اجرایی به‌طور گسترده از تمامی اموال موجود در خدمت اقتدار کشور و نیز اموال ضروری برای فعالیت نمایندگان کشور و خدمات عمومی در خارج حمایت می‌کند. اموال مورد حمایت، اعم از منقول و غیرمنقول، از قبیل سفارتخانه‌ها و کشتی‌های دولتی و جنگی است. این حمایت حتی شامل اموالی که در زمان ادعای مصونیت در اختیار کشور نیستند نیز می‌شود، مانند موجودی‌های بانکی، چه در بانک‌های دولتی و چه بانک‌های خصوصی و به‌علاوه اموالی که در آن زمان متعلق به کشور نیست اما مورد استفاده او قرار گرفته یا در اختیار اوست. آنچه در اینجا مورد نظر است، آزادی کشور در استفاده از یک مال است.^{۱۹} دلایل حقوقی و سیاسی به نفع مصونیت دولت‌ها عبارت‌اند از:

۱. مصونیت دولت‌ها رعایت می‌شود زیرا محاکم ملی قدرت اجرای آرا علیه دول خارجی را به علت مصونیت اجرایی آن‌ها ندارند.

۲. مصونیت دولت خارجی با مصونیت همان کشور مقرر دادگاه در محاکم خویش قیاس می‌شود.

۳. اگر مصونیت دولت‌ها رعایت نشود ممکن است سبلی از دعوی علیه دولت‌ها در محاکم

کشورهای خارجی طرح شود و در نتیجه در روابط بین‌المللی، هرج و مرج پیش بیاید.^{۲۰}

مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها و همچنین مقامات عالی‌رتبه حکومتی در خارج از کشور متبوعشان، یکی از نهادهای کهن حقوق بین‌الملل است که به تدریج و در فرایند زمان، مسیر تحول و تکامل خود را طی کرده و امروزه به‌عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل که در اساس، ریشه در عرف دارد، حاکم بر روابط بین‌المللی است.^{۲۱} البته با توسعه و تحول تدریجی حقوق بین‌الملل،

۱۶. محمدرضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱): ۱۷۶-۱۷۷.

۱۷. Parry Clive and John P. Grant, and Barker J. Craig, *Parry & Grant Encyclopaedic Dictionary of International Law*, (New York: Oxford University Press, 2009): 562.

۱۸. Jean Combacau and Sur Serge, *Droit international public*, 4ed (Montchrestien, 1999): 246.

۱۹. Ibid., 250.

۲۰. ستار عزیز، «گستره استثنای شبه‌جرم در حقوق مصونیت دولت‌ها در آیین رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی* ۱۰۰ (۱۳۹۲): ۱۴۷-۱۴۸.

۲۱. ضیائی بیگدلی، همان، ۱۷۷.

چارچوب این مصونیت به دو شکل محدود شده است. یکی اجباراً و به نفع جامعه بین‌المللی (استثنائات وارده بر مصونیت) و دیگری اعراض از مصونیت بر اساس رضایت اعلام‌شده دولت‌ها. به نوعی این توسعه تدریجی و مترقیانه از یک سو مدیون معاهدات عام و خاص (از جمله: کنوانسیون ۲ دسامبر ۲۰۰۴ در مورد مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها، کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها ۱۹۷۲) و حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی بین‌المللی (از جمله رأی دیوان در قضیه مصونیت صلاحیتی مورخ ۲۰۱۲ و قضیه معاضدت قضایی متقابل در موضوعات کیفری ۲۰۰۸) و از سوی دیگر، قوانین داخلی برخی کشورها (از جمله قانون مصوب ۱۳۷۸ در زمینه صلاحیت محاکم دادگستری ایران برای رسیدگی به برخی دعاوی مدنی دولت‌های خارجی) است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مفهوم و محدوده مصونیت دولت مقرر می‌دارد: «دراپای، اموال تحت تصرف یا کنترل یک دولت در مقابل بازداشت، توقیف یا اجرای حکم دادگاه کشور دیگر دارای مصونیت است مگر اینکه اموال مورد بحث به‌طور خاص در امر تجارت یا امور غیرحکومتی به‌کار رفته یا قصد به‌کارگیری در این امور وجود داشته باشد به شرطی که در کشور مقر دادگاه، واقع شده و برای پرداخت (تعهدات خاصی) اختصاص یافته یا به‌طور مشخص جهت اجرای حکم یا هر دین دیگری تخصیص یافته باشد.^{۲۲} بنابراین این تحول را در سه دلیل بیان نمود (مصونیت محدود به جای مصونیت مطلق). اول: اینکه مداخله دولت در امور تجاری باعث شد که این دکترین که میان مصونیت در اعمال حاکمیتی دولت‌ها با اعمال تصدی آن‌ها تمایز قائل می‌شد، طرفداران زیادی پیدا کند. دوم: سوسیالیستی‌بودن نظام شوروی (سابق) که کل اقتصاد کشور را در انحصار داشت، با اجرای مصونیت مطلق، مشکلات متعددی برای طرف‌های تجاری ایجاد می‌کرد. سوم: توسعه سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی که در اساسنامه خود و با پذیرش آرای داور، داوطلبانه از مصونیت خود عدول کردند. با ورود دولت به فعالیت‌های تجاری بین‌المللی و انعقاد قراردادهای تجاری با اشخاص خصوصی خارجی، به تدریج «دکترین مصونیت محدود» جایگزین مصونیت مطلق شد. دکترین اخیر، زائیده تفکیک میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی‌گری است.^{۲۳} امروزه نظریه مصونیت محدود، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل، عمومیت یافته است. با وجود این، دامنه شمول مصونیت از یک سو به ضابطه شناخت فعالیت‌های «غیرحکومتی» که مستثنا از مصونیت هستند، بستگی دارد و از سوی دیگر به محدوده امتناع از مصونیت وابسته است.

اولین بار، انستیتو حقوق بین‌الملل در قطعنامه سال ۱۸۹۱، این توسعه در مقررات حقوق بین‌الملل را به‌عنوان استثنای اقدامات ناشی از جرائم یا شبه‌جرائم ارتكابی در قلمرو کشور مقر

۲۲. مصطفی‌السان، «مصونیت بانک مرکزی در حقوق تجارت بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی ۸ (۱۳۹۴): ۱۰۴.

۲۳. سیامک کرمزاده، «صدور و اجرای آرای دادگاه‌های امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق امریکا»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی ۹ (۱۳۹۷): ۳۵۴-۳۵۶.

دادگاه پیشنهاد کرد.^{۲۴} این استثنا بر مصونیت دولت‌ها در کنوانسیون‌های الزام‌آور، ابتدا در ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها ۱۹۷۲ و سپس در ماده ۱۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها مصوب ۲ دسامبر ۲۰۰۴ پیش‌بینی شد.^{۲۵} مبنای ورود استثنای شبه‌جرم به‌عنوان استثنای مهم بر مصونیت دولت‌ها در حقوق قراردادی یا عرفی، احترام به حاکمیت سرزمینی دولت‌هاست تا اگر دولتی خارجی در سرزمین آن‌ها اقدامی زیان‌بار انجام دهد،^{۲۶} بتوان به مسئولیت مدنی دولت خطاکار در محاکم داخلی مقر دادگاه استناد کرد. با وجود این، نظر به اینکه رعایت مصونیت دولت خارجی نیز خود مبتنی بر اصل تساوی حاکمیت دولت‌هاست، این استثنا با رعایت شرایطی و به‌صورت مضیق اعمال می‌شود.^{۲۷} البته در واقعیت، برخی دولت‌ها، استثنای شبه‌جرم را اعمال می‌کنند و برخی دیگر آن را نمی‌پذیرند، حتی دولتی که این استثنا را اعمال می‌کنند، آن را به صورتی متفاوت اعمال می‌کنند.^{۲۸}

تبیین دامنه و گستره استثنای شبه‌جرم می‌تواند عدم مشروعیت دعاوی مدنی علیه دولت ایران در محاکم داخلی ایالات متحده را بهتر به اثبات رساند. لازم به ذکر است که در اصلاحیه ۱۹۹۶ به قانون مصونیت دولت‌های خارجی، صلاحیت محاکم ایالات متحده نسبت به شبه‌جرم‌هایی نیز تسری یافت که در خارج از قلمرو آن کشور ارتکاب یافتند؛ در نتیجه، شرط وقوع شبه‌جرم در سرزمین ایالات متحده حذف شد، مشروط به آنکه خواهان تبعه ایالات متحده و خوانده دعوا نیز دولت حامی تروریسم باشد و از تاریخ ایجاد منشأ دعوا نیز بیش از ده سال سپری نشده باشد.^{۲۹} در واقع قانونگذار امریکایی با تسری استثنای محاکم ایالات متحده به شبه‌جرم‌هایی که خارج از ایالات متحده ارتکاب می‌یابند، دقیقاً در نقطه مقابل رویه دولت‌ها و آرای محاکم قضایی دیگر دولت‌ها ایستاده است. گروهی از حقوق‌دانان معتقدند که «ایالات متحده با محور قراردادن حفظ امنیت اتباع و شهروندان، فصل جدیدی در حقوق مصونیت قضایی دولت‌های خارجی گشوده است که با تمایل

24. Hazel Fox QC. *The Law of State Immunity*, 2rd (Oxford Oxford University Press, 2008) 570.

۲۵. عزیززی، همان، ۱۴۹.

۲۶. در حقوق بین‌الملل، برابر «اصل استاپل»، دولت‌ها از اقدام متناقض بر علیه دیگری منع شده‌اند.

(M. L. Wagner, "Jurisdiction by Estoppel in the International Court of Justice." *California Law Review* 74, No. 5 (1986): 177.

۲۷. این شرایط عبارت‌اند از: ۱. لزوم ارتباط سرزمینی (وقوع تمام یا بخشی از عمل زیان‌بار در کشور مقر دادگاه). ۲. لزوم حضور عامل فعل یا ترک فعل زیان‌بار در زمان وقوع عمل در قلمرو دولت مقر دادگاه. ۳. انتساب فعل یا ترک فعل زیان‌بار به دولت خوانده. ۴. دادرسی مربوط به جبران خسارات مالی ناشی از فوت یا صدمه به شخص، یا خسارت به اموال عینی یا از بین رفتن آن باشد. ۵. دولت‌های طرف اختلاف به گونه دیگری توافق نکرده باشند.

28. Jasper Finke, "Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?" *European Journal of International Law*, No. 4 (2011): 874.

۲۹. شایان ذکر است نام دولت جمهوری اسلامی ایران به‌صورت رسمی از ۲۳ ژانویه ۱۹۸۴ در فهرست دولت‌های حامی تروریسم قرار داده شده است. (برای توضیح بیشتر، ن.ک: عبدالهی، همان، ۸۳-۹۴).

بعدی رویه قضایی و قانونگذاری دولت‌های دیگر، نقش تعیین‌کننده‌ای را در سرنوشت این حقوق بازی خواهند کرد؛ خصوصاً آنکه مقررات این اصلاحیه، پیوند بسیار نزدیکی با قواعد حقوق بشر و توسعه و تحول آتی آن دارد.^{۳۰} البته رویکرد دیوان در قضیه «مصونیت صلاحیتی دولت‌ها ۲۰۱۲» نشان‌دهنده این است که مصونیت دولت‌ها را به‌عنوان اصل پذیرفته است و تمامی توجیهات ایتالیا جهت رد مصونیت آلمان نزد محاکم آن کشور را بر اساس استثنائات مقرر در این حوزه رد کرد.^{۳۱} رویه قضایی نیز بخشی از تحول و تکامل حقوق بین‌الملل در حوزه مصونیت را رقم زده است. مصونیت حاکمیت از اقدامات اجرایی در رأی دیوان در دعوی آلمان علیه ایتالیا^{۳۲} و یونان به‌عنوان ثالث بررسی شده است. مطابق رأی این پرونده، «لازم نیست دیوان در خصوص اینکه تمامی جوانب ماده ۱۹ کنوانسیون ۲۰۰۴ بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی معاصر است، تصمیم بگیرد. کافی است قبل از انجام عملیات اجرایی علیه اموال دولت خارجی مشخص شود که اموال مورد بحث برای اهداف تجاری دولت استفاده شده است».^{۳۳} همچنین دیوان در رأی ۲۰۰۸ (دعوی جیبوتی علیه فرانسه) در قضیه مسائلی در خصوص معاضدت قضایی متقابل در موضوعات کیفری اظهار می‌دارد دولتی که ادعای مصونیت برای نهادهای دولتی خود دارد، باید «به دادگاه‌های خارجی اطلاع دهد که رسیدگی قضایی به دلیل مصونیت نباید علیه نهادهای دولتی صورت گیرد، هرچند ممکن است اعمال نهادهای دولتی از نظر بین‌المللی خطا باشد».^{۳۴} دیوان در این قضیه بیان داشت: «حتی اگر صلاحیت دیوان شامل نقض ادعای حقوق بین‌الملل حاکم بر مصونیت دیپلماتیک افراد تحت حمایت بین‌المللی بشود، چنین صلاحیتی نمی‌تواند شامل مواردی شود که پس از ثبت دادخواست خواهان واقع شده‌اند، برای اینکه هرگونه گسترش تدریجی صلاحیت دیوان فراتر از موارد مذکور در دادخواست اولیه خواهان، مغایر اصول حاکم بر توافق و رضایت طرفین برای احراز صلاحیت دیوان است».^{۳۵} با این حال، به‌رغم پیدایش استثناهای متعدد بر مصونیت و خروج آن از

۳۰. عبدالمهی، همان، ۸۳.

۳۱. عزیز، همان، ۱۵۲.

۳۲. پس از صدور رأی دیوان در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت (آلمان علیه ایتالیا) در ۳ فوریه ۲۰۱۲، دستگاه قضایی ایتالیا در خصوص قلمرو مصونیت دولتی در مقابل قاعده آمره، با موضع مضیق دیوان مواجه شد. دیوان در این رأی بر قابلیت اعمال مصونیت صلاحیتی دولت در دادگاه‌های خارجی تأکید کرد، صرف‌نظر از آنکه رفتار ادعایی دولت تا چه حد شدید بوده و حتی شامل نقض قواعد آمره شود. (IcJ Rep, 2012: Para. 99). از این رو دادگاه تجدیدنظر ایتالیا به رأی دیوان نیز استناد کرد که در ۲۰۱۳ در نظام حقوق داخلی ایتالیا گنجانده شد. (Weatheral, 2016: 541)

33. Jurisdictional Immunities of the State (*Germany v. Italy: Greece intervening*), Judgment I.C.J Report, 2012, Paras. 115- 116.

34. Certain Questions of Mutual assistance in Criminal Matters (*Djibouti v. France*), Judgment 4 June 2008, I.C.J. Reports, 2008. Paras. 115- 116.

۳۵. سیدقاسم زمانی و سهیلا کوشا، «صلاحیت معوق دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رأی دیوان در اختلاف میان دولت‌های جیبوتی و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۱۴، ۳۸ (۱۳۹۱): ۱۷۹.

مفهوم مطلق، مصونیت دولت از صلاحیت قضایی محاکم داخلی خارجی و اقدامات اجرایی، به‌ویژه در خصوص اعمال حاکمیتی، کماکان به‌عنوان اصل کلی حقوق بین‌الملل که مبتنی بر قاعده عرفی است، باقی مانده است و همواره در کنوانسیون‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و در قوانین داخلی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و نقض آن برای دولت ناقض، مسئولیت‌آور خواهد بود.^{۳۶}

۲. وضعیت حقوقی و مصونیت بانک مرکزی در حقوق بین‌الملل

اطلاق واژه «بانک مرکزی» به مفهوم وظایف و اختیارات این بانک است و لزوماً بیانگر نوع شخصیت حقوقی و ماهیت آن نیست. به‌طور کلی، هر دولتی از داشتن بانک مرکزی (که ممکن است نام فدرال رزرو داشته باشد)، اهداف خاصی را دنبال می‌کند. در ایران، این اهداف در قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱) و سپس در قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۸ شهریور ۱۳۶۲) تشریح شده است؛ که هدف اصلی بانک مرکزی: «حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد کشور است».^{۳۷} در حالی که در انگلستان، بانک مرکزی مسئولیت سیاست‌گذاری پولی را دارد، وظیفه نظارت بانکی بر عهده نهاد دیگری است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که ماهیت بانک مرکزی به‌طور مستقیم با وظایف آن در ارتباط است. امکان دارد بانک مرکزی بیشتر با تأکید بر وصف تجاری تأسیس شود اما به‌عنوان قاعده عمومی در مورد تمامی بانک‌های مرکزی، موضوع فعالیت آن‌ها در هر حال شامل مواردی است که جنبه تجاری ندارد.^{۳۸}

ماهیت بانک مرکزی در هر کشور، به‌طور مستقیم با حقوق داخلی آن کشور در ارتباط است چون تنها قانون داخلی می‌تواند ماهیت و چهارچوب سازمانی نهادها و مؤسسات داخلی را معین کند. به‌عنوان مثال، بانک مرکزی هلند، یک شرکت با مسئولیت محدود است که به موجب قانون بانکی سال ۱۹۴۸ توسط بخش خصوصی ایجاد شده است، در حالی که بانک مرکزی پرو یک نهاد عمومی و تحت مالکیت دولت است. البته موضوع مهم، فقدان تعریف مورد توافق در مورد بانک مرکزی در سطح بین‌المللی است. بنابراین لازم است تا دولت‌ها موقعیت، ساختار، وظایف و اهداف بانک مرکزی را اثبات کنند.^{۳۹} کشورها با وضع قانون، و دادگاه‌های آن‌ها با تفسیر موسع از مقررات،

۳۶. محمد حبیبی مجنده و همکاران، «نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۲، ۵۲ (۱۳۹۳): ۶۹.

۳۷. بند (ب) ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور ایران.

۳۸. السان، همان، ۱۱۱.

39. "New England Merchants National Bank v. Iran Power and Others, 502 F.Supp. 120 Generation and Transmission Co S.D.N.Y. 1980".

ایران در این پرونده که یکی از طرفین بود، ملزم شد موقعیت خود را به‌عنوان بانک مرکزی از طریق اظهارنامه (به قید سوگند) مقامات عالی بانک و سایر ادله اثبات نماید. همین مسئله در پرونده *ترندکس* نیز مطرح بود، به‌صورتی که بانک مرکزی نیجریه مجبور به اثبات موقعیت خود به‌عنوان نهادی از دولت شد.

سعی دارند تا با پذیرش مصونیت اموال بانک‌های مرکزی خارجی، توجه چنین کشورهایی را برای سرمایه‌گذاری در خاک خود فراهم سازند. از این رو اموال بانک مرکزی، آنجا که در راستای فعالیت‌ها و عملیات خاص این بانک به کار گرفته می‌شود، از مصونیت برخوردار است. البته با توجه به اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری می‌توان گفت مصونیت بانک مرکزی هم مطلق نیست؛ از این رو می‌توان علیه بانک مرکزی دست به اقدامات قضایی و اجرایی زد و اموال آن‌ها را توقیف کرد. یکی از مهم‌ترین استثنائات مصونیت نهادهای بانکی که به دولت اجازه می‌دهد تا بانک مرکزی را هدف دادرسی قرار دهند، پرداختن به فعالیت‌های تجاری است.^{۴۰}

کنوانسیون ملل متحد در ماده ۲۱ مقرر می‌دارد: «دسته‌های خاصی از اموال اختصاص یافته، برای استفاده یا با هدف استفاده دولت در مورد اهداف عمومی غیر بازرگانی در قبال اقدامات اجباری، بعد از محاکمه از صلاحیت قضایی دادگاه‌های داخلی دیگر دول مصون است» و به‌طور دقیق آن‌ها را احصا نموده است. در بند (ج) این ماده، صراحتاً اموال بانک مرکزی و دیگر مراجع پولی و مالی از مصونیت برخوردارند.^{۴۱} می‌توان وضعیت حقوقی بانک‌های مرکزی را با مراجعه به قانون ملی کشور متبوع آن‌ها مشخص کرد، یعنی قانونی که بانک مرکزی بر اساس آن به وجود آمده است.^{۴۲} در این مورد، اشاره به قانون پولی و بانکی کشور ایران مصوب ۱۳۵۱ شمسی ضرورت دارد. ماده ۱۰ این قانون،^{۴۳} بانک مرکزی را مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری دانسته، هدف آن را از جمله حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور بیان می‌کند. با توجه به وظایف و اهداف مقرر، بانک مرکزی می‌تواند مطابق بند ۵ ماده ۱۳ این قانون، به خرید و فروش اوراق قرضه صادر شده از طرف‌های خارجی یا مؤسسات مالی بین‌المللی معتبر اقدام کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خرید اوراق قرضه به‌عنوان بخشی از وظایف رسمی بانک مرکزی شناخته شده است؛ لذا از نظر ایران از اعمال تصدی شمرده نمی‌شود.^{۴۴} شرکت‌های ایرانی متعلق به دولت ایران، دارایی ملی شناخته می‌شوند و شرکت‌هایی که در مفهوم

۴۰. مهوش منفرد و سیدحسام‌الدین لسانی، «مصونیت بانک مرکزی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه بانک مرکزی ایران»، فصلنامه مطالعات مالی و بانکنداری اسلامی ۴، ۸ (۱۳۹۷): ۱۶۶.

41. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004, Article 21.

42. William, Blair "The Legal Status of Central Bank Investments under English Law", Cambridge Law Journal, 57 (1998): 375.

۴۳. ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور: «الف) بانک مرکزی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری بر اساس سیاست کلی اقتصادی کشور است. ب) هدف بانک مرکزی ج.ا. ایران، حفظ ارزش پول و مبادله پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است. ج) بانک مرکزی ج.ا. ایران دارای شخصیت حقوقی است و در مواردی که در این قانون پیش‌بینی نشده، تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های سهامی خواهد بود...».

۴۴. سیامک کرمزاده، «صدور و اجرای آرای دادگاه‌های امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق امریکا»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی ۹، ۱ (۱۳۹۷): ۳۶۶-۳۶۵.

عهدنامه مودت می‌گنجند، از حمایت سرمایه‌گذاری تحت شروط این معاهده بهره می‌برند. این معاهده، شرکت‌ها را به‌عنوان بنگاه‌ها، مؤسسات و سایر نهادهایی که برای رسیدن به منافع مالی راه‌اندازی شده‌اند، تعریف می‌کند.^{۴۵} حال این پرسش مطرح است که آیا بانک مرکزی نیز شرکت محسوب می‌شود؟ بررسی نشان می‌دهد که عهدنامه این مسئله را مشخص نکرده است اما رویه قضایی (که در ادامه به تعدادی از پرونده‌های مطرح پرداخته خواهد شد) به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهد.

الف) پرونده لیبی علیه شرکت/کتیمون. در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۰ قراردادی میان دولت لیبی و شرکت/کتیمون^{۴۶} (یک شرکت سوئیسی که مقر آن در شهر ژنو است)، برای تأسیس کارخانه شیر پاستوریزه در شهر فاتح^{۴۷} لیبی منعقد شد، اما در جریان اجرای قرارداد، اختلافاتی میان آن‌ها رخ داد که منجر به طرح دعوا از سوی شرکت/کتیمون در دادگاه بخش زوریخ، مبنی بر دستور موقت برای توقیف اموال و دارایی‌هایی لیبی به‌ویژه اموال بانک مرکزی و شرکت نفت این کشور شد. دادگاه بدوی این دعوا را رد کرد ولی شرکت/کتیمون مجدداً در ۳۰ آوریل ۱۹۸۴ در دادگاه کانتون زوریخ تجدیدنظرخواهی کرد که دعوا پذیرفته و به دادگاه بدوی دستور داده شد که اموال بانک مرکزی لیبی توقیف شود. این امر منجر به توقیف تعدادی از اوراق بهادار بانک مرکزی لیبی از سوی دادگاه شد.^{۴۸}

ب) پرونده سی‌اس‌ا.بی علیه کشور اسلواکی. اسلواکی معتقد بود که بنا بر ماده ۲۵ بند ۲ معاهده اکسید، بانک متعلق به دولت، شرکت قلمداد نمی‌شود، بلکه آژانس دولتی محسوب می‌شود.^{۴۹} از نظر قضات این پرونده، حتی اگر بانک در حال اجرای سیاست‌های یک دولت باشد یا به دنبال اهداف دولت یک کشور باشد، فعالیت‌های بانک، ذاتاً و ضرورتاً تجاری هستند تا دولتی.^{۵۰}

پ) پرونده شرکت تجاری ترندکس علیه بانک مرکزی نیجریه، ۱۹۷۷. این یکی از مهم‌ترین اختلافات تجاری بین‌المللی است. دولت نیجریه برای برنامه بلندپروازانه توسعه، اقدام به خرید گسترده سیمان نمود. از این رو ۱۰۹ قرارداد را با ۶۸ تأمین‌کننده برای بیش از ۱۶ میلیون تن سیمان به ارزش ۱ میلیارد دلار منعقد کرد. دولت جدید، بعد از به‌قدرت‌رسیدن، اطلاعیه‌های مبنی بر توقف حمل سیمان به این کشور صادر می‌کند و به بانک مرکزی دستور می‌دهد تا از پرداخت اعتبارات ایجادشده به فروشندگان سیمان بجز آن‌هایی که از

45. Bank Markazi, US Amicus Curiae Brief.

46. Actimon.

47. Fatae

48. Elihu Lauterpacht and Christopher J. Greenwood, "International Law Reports," Libyan Arab Socialist Peoples Jamhahirian V. Actimon SA, Switzerland, Federal Tribunal 82, (1985).

49. Ceskoslovenska Obchodni Banka, A.S. v. Slovak Republic (ICSID CASE No. ARB/97/4)", icsid.worldbank, last accessed May 17, 2017.

50. Ibid., Para. 20.

دولت نیجریه گواهی ترخیص کالا دریافت کرده‌اند، خودداری کنند. شرکت ترندتکس (شاکی) ذی‌نفع اعتبارات صادره به وسیله بانک مرکزی از طریق بانک میدلند^{۵۱} (از بانک‌های خارجی طرف معامله‌کننده با بانک مرکزی نیجریه) بود. هنگامی که این شرکت، اسناد اعتباری را به بانک میدلند ارائه می‌کند، این بانک از پرداخت خودداری می‌کند. از این رو پس از عدم پرداخت قیمت سیمان از سوی بانک مرکزی نیجریه، شرکت ترندتکس علیه بانک یادشده در دادگاه‌های انگلستان اقامه دعوا کرد. در نهایت، دیوان عالی انگلستان در پرونده مورد بحث، حکم به عدم مصونیت بانک مرکزی نیجریه داد زیرا بانک مرکزی، خود دولت نیجریه یا نهاد دولتی نیجریه شناخته نشد. بنابراین در رویه قضایی انگلستان با توجه به وظایف بانک مرکزی و نحوه ارتباط آن با دولت و اینکه به‌طور روزمره تحت کنترل دولت باشد، می‌توان در مورد مصونیت بانک مرکزی تصمیم گرفت.^{۵۲} بانک‌های مرکزی در کشورهای در حال توسعه، وظایف بسیار مهمی را از طرف دولت بر عهده دارند و در نتیجه، مستقل از کنترل دولت عمل نمی‌کنند. به عبارت دیگر، این بانک‌ها معمولاً وظایف عمومی را انجام می‌دهند و بنابراین از بانک‌های تجاری متمایز می‌شوند.^{۵۳}

(ت) پرونده *ای. آی. جی علیه جمهوری قزاقستان*؛ در یکی از جدیدترین پرونده‌های مرتبط با مصونیت اموال بانک مرکزی، رویه‌ای اتخاذ شد که به هدف نهایی معاملات بازرگانی بانک مرکزی توجه شد و با توجه به ارتباط آن‌ها با منافع عمومی، حکم به مصونیت اموال بانک مرکزی صادر شد.^{۵۴} پرونده، زمانی در دادگاه انگلیس مطرح شد که دیوان داوری ایکسید، رأی را به نفع یکی از مؤسسات وابسته به *ای. آی. جی* و علیه جمهوری قزاقستان صادر کرد و *ای. آی. جی* برای اجرای آن در دادگاه انگلیس اقدام و درخواست نمود رأی مذکور از محل وجوه نقد و سهامی که دولت قزاقستان در لندن دارد، اجرا شود. سپس بانک ملی قزاقستان به‌عنوان ثالث وارد پرونده شد و ادعا کرد که به موجب قانون مصونیت بریتانیا، اموال معرفی‌شده از مصونیت اجرایی برخوردار است. دادگاه پس از بررسی ادعاهای طرفین به این نتیجه رسید که وجوه نقد و سهام برای مقاصد تجاری به کار نرفته و هدفی هم برای آن‌ها مدنظر نبوده است.^{۵۵}

در قضیه برخی دارایی‌های ایران، دادخواست دعوای ایران مبتنی بر شخصیت حقوقی مستقل بانک مرکزی از دولت بوده است، چرا که دعوای ایران در قالب حمایت دیپلماتیک مطرح شده و

51. Midland Bank.

52. Trendtex Trading Corp. Ltd v. Central Bank of Nigeria (1977) Q.B. 560.

53. Ernest K. Bankers, *The State Immunity Controversy in International Law: Private suits against Sovereign States in domestic Courts*, 1st ed. (Berlin: Springer, 2005): 236.

54. AIG Capital Partners Inc. v. Republic of Kazakhstan (2005) EWHC 2239 (Comm), 2006, 1 WLR 1420.

۵۵. السان، همان، ۱۲۲.

این امر مستلزم حمایت دولت از یک شخصیت حقوقی مستقل است. مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت ۱۹۵۵، حقوق و حمایت‌های معینی را برای اتباع و شرکت‌های طرفین معاهده در نظر می‌گیرد. استدلال ایران در خصوص شخصیت حقوقی مستقل بانک مرکزی، مستند به ماده ۳(۱) معاهده^{۵۶} است. در نتیجه اگر دولت ایران در دعوایی در محاکم ایالات متحده محکوم شده است، نمی‌توان اموال بانک مرکزی را که شخصیت حقوقی مستقل دارد، برای پرداخت محکومیت دولت توقیف کرد.^{۵۷} با نگاهی به فعالیت‌ها و عملکردهای قانونی بانک مرکزی، فعالیت بانک شامل وظایف عالی همچون تدوین و اجرای سیاست‌های اعتباری و پولی کشور است و بانک مرکزی نه تنها متعلق به دولت ایران است، بلکه وظایف عالی نیز بر عهده دارد. در عین حال، این بانک به‌عنوان نهاد قانونی که قوانین مربوط به شرکت‌های سهام مشترک در آن اجرا می‌شود نیز در نظر گرفته می‌شود و قوانین کلی که در مورد وزارتخانه‌ها، بنگاه‌ها و آژانس‌های دولتی اعمال می‌شود، در مورد آن اعمال نمی‌شود. این موضوع، این بانک را به شرکتی که بر اساس قوانین و مقررات قابل اعمال ایران تحت بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت شکل گرفته است، تبدیل می‌کند.

در مقابل، ایالات متحده استدلال می‌کند که بانک مرکزی ایران به این دلیل که اعمال صرفاً حاکمیتی را انجام می‌دهد و به فعالیت‌های ماهیتاً تجاری اشتغال ندارد، اساساً شرکت در مفهوم مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود. ایالات متحده آمریکا برای اثبات مدعی خود به اساسنامه بانک مرکزی و قانون پولی و بانکی ایران اشاره می‌کند که بانک مرکزی را تحت کنترل کامل دولت ایران و دارای کارکردهای منحصرأ حاکمیتی همانند سایر بانک‌های مرکزی می‌داند؛^{۵۸} و اینکه بانک مرکزی حتی به‌عنوان نماینده ایران، در سازمان‌های بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول حاضر می‌شود.^{۵۹} به‌علاوه از نظر ایالات متحده، اگر ایران مدعی شرکت بودن بانک مرکزی است، دیگر مصونیت آن قابل پذیرش نیست. آن‌ها استدلال می‌کنند که ایران از یک سو به مواد ۳ و ۴ عهدنامه استناد می‌کند و از سوی دیگر مدعی مصونیت است.^{۶۰} از سویی ایران در برابر این ادعای ایالات متحده اظهار می‌دارد که شرکت در ماده ۳ بند ۱ عمدتاً

۵۶. بند ۱ ماده ۳ معاهده مودت: «شرکت‌هایی که طبق قوانین و مقررات مربوطه هریک از طرفین معاهدین تشکیل شده، در قلمرو طرف معظم معاهد دیگر، شخصیت حقوقی آن‌ها شناخته خواهد شد. اما معلوم است که شناختن شخصیت حقوقی به خودی خود به شرکت‌ها حق نمی‌دهد به فعالیت‌هایی اشتغال جویند که برای آن تشکیل نیافته‌اند. منظور از شرکت‌ها در این عهدنامه عبارت است از شرکت‌ها، کمپانی‌ها و سایر هیئت‌هایی که با مسئولیت محدود یا غیرمحدود به قصد انتفاع پولی یا غیرپولی تشکیل یافته باشند».

۵۷. سیدطه موسوی میرکلایی، «شخصیت حقوقی شرکت دولتی و مصونیت اموال دولتی در پرونده برخی اموال ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۵۱، ۳ (۱۴۰۰): ۱۰۱۳.

58. Certain Iranian assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports (2019): para. 82.

59. Ibid., para. 85.

60. Certain Iranian Assets (Iran V. USA), I.C.J Reports (2017): Para. 9.10-9.15.

به‌طور موسع تعریف شده است به‌صورتی که این مفهوم شامل هر مؤسسه‌ای می‌شود که شخصیت حقوقی‌اش در قلمرو نظم حقوقی یکی از طرفین معاهده ایجاد شده باشد، صرف‌نظر از ساختار سرمایه‌محور و فعالیت سودآورانه آن. برابر استدلال ایران، بانک مرکزی به موجب ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور دارای شخصیت حقوقی و مشمول حقوق قابل اعمال بر شرکت‌های سهامی عام است، نه حقوق حاکم بر نهادهای عمومی. همچنین بانک مرکزی برای انجام فعالیت‌های حرفه‌ای خود دارای سرمایه‌ای است که می‌تواند سودآور باشد و باید مالیات آن را به دولت ایران بپردازد. به‌علاوه، این نهاد همانند هر شخص حقوقی از حق انعقاد قرارداد با هر ماهیت، خرید و فروش کالا و خدمات، تملک دارایی و اموال منقول و غیرمنقول و حق طرح دعوا برخوردار است. در استدلال ایران، شخصیت حقوقی مستقل بانک مرکزی و مصونیت آن قابل جمع است. شخص حقوقی دولتی می‌تواند در قالب شرکت تأسیس شود ولی چون کارکرد دولتی دارد، از مصونیت‌های دولت نیز برخوردار باشد. از این رو هر نوع شرکتی می‌تواند از جانب دولت برای انجام کارکردهای حاکمیتی معین به کار گرفته شود. بنابراین مصونیت به انجام آن کارکردها تعلق می‌گیرد.^{۶۱}

دیوان با بررسی استدلال‌های طرفین دعوا اظهار می‌دارد: اول اینکه مطابق عهدنامه مودت، یک مؤسسه صرفاً زمانی می‌تواند شرکت تلقی شود که شخصیت حقوقی‌اش از جانب نظام حقوقی دولت محل تأسیس به آن اعطا شده باشد؛ دوم اینکه مؤسسه‌ای که کلاً یا جزئاً متعلق به دولت است، می‌تواند شرکت در مفهوم عهدنامه مودت به شمار رود و ماده ۳ بند ۱ هیچ تمایزی میان مؤسسات خصوصی و عمومی از این نظر قائل نمی‌شود. دیوان از بیان این دو نکته، دو نتیجه می‌گیرد: نخست ایالات متحده نمی‌تواند به این واقعیت اعتراض کند که شخصیت حقوقی مستقل بانک مرکزی مبتنی بر ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی ایران است؛ دوم، این واقعیت که بانک مرکزی کلاً متعلق به دولت ایران است و این دولت اختیار اداره و نظارت دقیقی بر فعالیت‌های آن اعمال می‌کند و این مؤسسه را از مقوله شرکت‌های مذکور در عهدنامه مستثنا نمی‌کند.^{۶۲} دیوان اضافه می‌کند که از دیدگاه ایران، شخصیت حقوقی مستقل به موجب حقوق داخلی یک طرف معاهده، برای توصیف یک مؤسسه به‌عنوان شرکت، از نظر عهدنامه کافی است اما از نظر دیوان، چنین تفسیری مطابق تعریف مقرر در ماده ۳ موضوع و هدف معاهده نیست. ماده مزبور در صدد تضمین حقوق و اعطای حمایت به آن دسته از اشخاص حقیقی و حقوقی است که به فعالیت‌های با ماهیت تجاری می‌پردازند. سپس دیوان اعلام می‌دارد مؤسسه‌ای که صرفاً فعالیت‌های حاکمیتی انجام می‌دهد، نمی‌تواند شرکت در معنای عهدنامه تلقی شود. از این رو دیوان برای توصیف بانک مرکزی به‌عنوان شرکت موردنظر عهدنامه، بررسی ماهیت فعالیت‌های این نهاد در ایالات متحده را در زمان توقیف اموال، لازم می‌داند. از آنجا

61. Ibid., Para. 5.41.

62. Certain Iranian assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports (2019): paras. 87-88.

که آن فعالیت‌ها جنبه موضوعی دارد و مرتبط با ماهیت پرونده است، دیوان بیان می‌دارد که صدور حکم در مورد اعتراض صلاحیتی، صرفاً پس از ارائه استدلال‌های طرفین در مرحله ماهوی امکان‌پذیر خواهد بود؛ البته در صورتی که دادخواست قابل پذیرش تلقی شود. از این رو در این مرحله، اعتراض مربوط را دارای ماهیتی منحصرأ مقدماتی نمی‌داند.^{۶۳} دیوان بر این باور است که یک نهاد می‌تواند هم عمل حاکمیتی و هم عمل تصدی‌گری انجام دهد. به عبارت دیگر، دیوان در این رأی می‌پذیرد که می‌توان عمل حاکمیتی انجام داد اما از ساختار شرکت برخوردار بود. این در مورد بانک مرکزی ایران به‌عنوان شرکتی که سهام‌دارش دولت است، مصداق می‌یابد. اما این مسئله که بانک مرکزی ایران، شرکت در مفهوم عهدنامه مودت تلقی می‌شود یا خیر، به مرحله ماهوی واگذار می‌شود.^{۶۴} شایان ذکر است که رویه قضایی در مواردی که بانک‌های مرکزی به‌عنوان بانک دولت یا در راستای سایر اعمال حاکمانه اقدام می‌کنند، بر مصونیت بانک مرکزی، همانند دولت استوار است. در مقابل، هر جا که بانک مرکزی فعالیت‌های تجاری ولو به نمایندگی از دولت انجام داده باشد، از قائل شدن چنین مصونیتی برای بانک مرکزی خودداری شده است.^{۶۵}

۳. توقیف دارایی‌های دولت ایران توسط محاکم ایالات متحده

ایالات متحده در ۱۹۹۶ با اصلاح «قانون مصونیت دولت‌های خارجی»، محاکم داخلی خود را صالح دانست که به علت حمایت ایران از گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی، به دعاوی خواهان‌های امریکایی علیه ایران رسیدگی و حکم صادر کنند. متعاقباً نقض مصونیت قضایی دولت ایران و توقیف اموال آن با تصویب قانون مقابله با تروریسم و مجازات مؤثر^{۶۶} موسوم به قانون فلاتو^{۶۷} گسترش یافت. قانون یا اصلاحیه فلاتو در دعاوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی به موجب

63. Ibid., 90-97.

۶۴. موسوی، همان، ۱۰۱۵.

۶۵. محمد عالی دوست، مسعود راعی و علیرضا آرش پور، «تحریم بانک مرکزی ایران به مثابه تروریسم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش سیاست متعالیه ۱۰، ۳۸ (۱۴۰۱): ۲۷۷-۲۷۸.

66. Anti- Terrorism and Effective Death Penalty Act.

۶۷. آلیسا میشل فلاتو (Alisa Michelle Flatow) دانشجوی امریکایی که در اسرائیل مشغول تحصیل بود، با ۸ نفر که داخل اتوبوس در مسیر دریای مدیترانه در حرکت بودند در ۹ آوریل ۱۹۹۵ کشته شدند. شاخه‌ای از گروه جهاد اسلامی فلسطین موسوم به حماس مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. وزارت امور خارجه ایالات متحده در ژوئیه ۱۹۹۶ ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران (که از ۱۹۹۴ ژانویه ۱۹۸۴ توسط دولت امریکا به‌عنوان دولت حامی تروریسم معرفی شده) برای حمایت از این گروه جهادی باید سالانه مبلغ تقریبی ۵۲ میلیون دلار غرامت پرداخت کند. ورثه فلاتو در ۱۹۹۷ دعاوی قتل عمدی را علیه دولت ایران در دادگاه فدرال ایالات متحده مطرح کردند. دعاوی مطروحه به موجب اصلاحیه عطف به ماسبق‌شونده قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی (Foreign Sovereign Immunities Act – FSIA) که کمی پس از حمله، در امریکا به تصویب رسید، مبنای رسیدگی قضایی پیدا کرد که این اصلاحیه فلاتو به اصلاحیه فلاتو مشهور است.

استثنای تروریسم، جبران خسارات مالی را قابل دسترس می‌داند که بر اساس آن، افراد آسیب‌دیده آمریکایی از حملات تروریستی (شکنجه، گروگان‌گیری، هواپیماربایی و ...) در هر کجای دنیا یا بازماندگان آن‌ها می‌توانند در دادگاه‌های ایالات متحده علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند. یکی دیگر از مهم‌ترین اقدامات ایالات متحده که ابعاد ضدحقوقی آن همانند قانون فلاتو است، تصویب قانون موسوم به کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر در سوریه در ۲۰۱۲ بود.

همان‌طور که در بند ۱ پژوهش حاضر اشاره شد، نام دولت ایران از ۱۹۸۴ تا کنون در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم»^{۶۸} ایالات متحده قرار گرفته است. استثنای تروریسم که بعداً به قانون مصونیت دولت‌های خارجی ۱۹۷۶ افزوده شد، سبب شد تا دعوی متعددی علیه ایران در دادگاه‌های داخلی ایالات متحده مطرح شود. در ۲۰۰۲ قانون بیمه خطر تروریسم، اجازه توقیف اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های آمریکایی در دعوی علیه ایران را فراهم آورد و در ۲۰۰۸ نیز تعریف موسعی از استثنای تروریسم در نظام حقوقی ایالات متحده به عمل آمد، به طوری که خسارت تنبیهی^{۶۹} که قبلاً فقط نسبت به مقامات دولتی پذیرفته شده بود، در خصوص دولت‌های خارجی نیز پذیرفته شد و ادعاهای مربوط به «خسارات مالی منطقاً قابل پیش‌بینی»^{۷۰} نیز قابل مطالبه قلمداد شد.

در ۳۰ مه ۲۰۰۳ (۹ خرداد ۱۳۸۲) در دادگاه فدرال نیویورک، پرونده‌ای موسوم به پترسون ثبت شد.^{۷۱} این قضیه، مهم‌ترین پرونده قضایی علیه اموال دولت ایران به‌ویژه بانک مرکزی ایران در ایالات متحده به شمار می‌رود. در رأی صادره در این قضیه همانند سایر دعاوی مشابه،^{۷۲} دادگاه داخلی ایالات متحده از ایران به‌عنوان دولت حامی تروریسم یاد و این دولت را به سبب تأمین منابع مالی برای حزب‌الله لبنان، محکوم به جبران خسارت کرد.^{۷۳} دولت ایران برابر اصل مصونیت دولت‌ها و همسو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر ممنوعیت شرکت در این گونه محاکم، از حضور در جلسات رسیدگی در دادگاه‌های آمریکا خودداری کرد و معتقد بود: «بر اساس اصل برابری

68. State Sponsor of Terrorism.

69. Punitive Damage.

70. Reasonably Foreseeable Property Loss.

۷۱. قضیه پترسون (Peterson v. Islamic Republic of Iran): در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ یک کامیون با ۱۹ تن مواد منفجره به یک پادگان دریایی ایالات متحده در بیروت وارد و منفجر شد. در نتیجه این انفجار، ۲۴۱ نظامی آمریکایی کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. بازماندگان کشته‌شدگان و مجروحان این حادثه در دادگاه بدوی فدرال بخش کلمبیا علیه دولت ایران طرح دعوا کردند.

۷۲. دعوی هاینر علیه ایران (Heiser V. Islamic Republic of Iran)، گرینباوم علیه ایران (Greenbaum V. Islamic Republic of Iran)، رودر علیه ایران (Roder V. Islamic Republic of Iran) و هایم علیه ایران (Haim V. Islamic Republic of Iran).

۷۳. محسن مجبی و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)»، فصلنامه قضاوت، ۱۹، ۹۸ (۱۳۹۸): ۵۴-۵۵.

حاکمیت و استقلال دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت، مجاز به رسیدگی به این قبیل دعاوی علیه دولت‌های خارجی نیستند». اما دادگاه فدرال نیویورک پس از رسیدگی‌های غیابی در ۷ سپتامبر ۲۰۰۷ (۱۶ شهریور ۱۳۸۶) رأی بر محکومیت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار غرامت و دستور بر توقیف اموال ایران برای پرداخت به خانواده‌های قربانیان پتerson صادر کرد. در پی اجرایی‌شدن حکم،^{۷۴} اوراق بانک مرکزی ایران در ایالات متحده توقیف شد.^{۷۵} البته به دنبال توقیف این اموال و دارایی‌ها، بانک مرکزی ایران با تأکید بر استقلال این بانک از دولت، حاکمیتی بودن دارایی مذکور و اختصاص آن برای استیفای بدهی مشخص، منطبق بر قواعد حقوق بین‌الملل، ابطال حکم را درخواست نمود. استدلال بانک مرکزی اشاره به قانون ۲۰۱۲ کنگره و مداخله آن به نفع یکی از طرفین دعوا، نقض تفکیک قوا در امریکا و مغایرت حکم با قانون اساسی ایالات متحده بود اما از آنجا که این پرونده از ابتدا با رویکرد سیاسی تنظیم شده بود، دیوان عالی ایالات متحده در ۲۹ آوریل ۲۰۱۶ (۱ اردیبهشت ۱۳۹۵) اقدام به تأیید آرای دادگاه‌های بدوی مبنی بر پرداخت غرامت کرد.

۴. رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی دارایی‌های ایران ۲۰۱۹

با به نتیجه نرسیدن اعتراض بانک مرکزی نسبت به توقیف اموال (اوراق قرضه)، دولت ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۶ خرداد ۱۳۹۵) دادخواست رسمی علیه ایالات متحده در دیوان ثبت نمود. به موجب این دادخواست:

- الف) ایران از دیوان درخواست کرد که بر اساس عهدنامه مودت، خود را صالح به رسیدگی و صدور حکم در مورد دعاوی ایران بشناسد؛
- ب) دیوان تأیید کند که ایالات متحده، تعهداتش نسبت به ایران از جمله به موجب مواد ۳(۱)، ۳(۲)، ۴(۱)، ۴(۲)، ۵(۱)، ۷(۱) و ۱۰(۱) عهدنامه مودت را نقض کرده است؛
- پ) ایالات متحده تضمین کند که در این مسئله هیچ اقدامی مغایر با تعهدات خود در قبال ایران به موجب عهدنامه مودت انجام ندهد؛
- ت) ایران و شرکت‌های دولتی ایران در قبال صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده حق برخورداری از مصونیت دارند؛
- ث) ایالات متحده متعهد به محترم شمردن شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های دولتی ایران

۷۴. رئیس‌جمهور وقت امریکا (باراک/وباما) دستور اجرایی حکم مسدودکردن دارایی‌های ایران را صادر کرد. (Kenneth, Katzman, Iran Sanction, Congressional Research Service, Grs Report Prepared for Members and Committees of Congress, 7-5700, Rs20871, US, Library of Congress, (2017)): 2.

۷۵. لسانی و کاظمی، همان، ۲۷.

از جمله بانک مرکزی و آزادی دسترسی آن‌ها به دادگاه‌های ایالات متحده است؛^{۷۶}

(ج) ایالات متحده به سبب نقض تعهدات حقوقی بین‌المللی خود، متعهد به جبران خسارت کامل (مبلغی که توسط دیوان تعیین شود) در مقابل ایران است؛

(چ) ایالات متحده ملزم به هر جبران خسارت دیگری است که دیوان مناسب بداند.^{۷۷}

مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این دعوا، بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^{۷۸} و بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت^{۷۹} است. به علاوه اینکه مطابق ماده (۲)۴: اموال اتباع و شرکت‌های یک طرف عهدنامه و منافع آن اموال، از حداکثر امنیت و حمایت دائمی، نه کمتر از آنچه حقوق بین‌الملل اقتضا می‌کند، در سرزمین طرف دیگر عهدنامه برخوردار خواهند بود و این اموال، جز در راستای اهداف عمومی و بدون پرداخت فوری غرامت عادلانه توقیف نخواهند شد. این غرامت باید به نحو مؤثری قابل پرداخت و به‌طور کامل معادل مالی باشد که توقیف شده است و باید تمهیدات لازم برای تعیین و پرداخت غرامت در زمان توقیف مال یا قبل از آن اتخاذ شود.

در جلسه استماع، ایران با تمرکز بر عبارت ماده مذکور، «مقتضیات حقوق بین‌الملل»، استدلال می‌کرد که این مقرره، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص مصونیت را نیز شامل می‌شود و از آنجا که اموال اتباع و شرکت‌های ایرانی (بانک مرکزی و ...) حداکثر امنیت و حمایت را در ایالات متحده نداشته و تعهد امریکا به رفتار با آن‌ها بر طبق مقتضیات حقوق بین‌الملل، نقض شده است، دیوان صلاحیت دارد تا حقوق مصونیت را در سیاق ماده (۲)۴ عهدنامه مودت اعمال کند. وکیل ایران آقای ساموئل ورد ورث^{۸۰} در جلسه استماع تصریح کرد که ممنوعیت وسیع توقیف اموال مگر برای هدف عمومی و با پرداخت فوری غرامت عادلانه، شامل هرگونه توقیف قضایی، قانونگذاری و اجرایی می‌شود و ماده (۲)۴ هیچ‌گونه محدودیتی در خصوص نوع اموال بانک مرکزی (اوراق بهادار) ننموده است و تعیین اینکه آیا این اقدام مبتنی بر هدف عمومی بوده است یا خیر، مربوط به

۷۶. دولت ایران معتقد است که مصونیت بانک مرکزی در عهدنامه مودت، جزو حقوق بین‌الملل عرفی تضمین شده است و در این مورد، به دو دسته از مقررات عهدنامه مودت استناد می‌کند: مقرراتی که به‌طور مشخص به حقوق مربوط به مصونیت اشاره دارند (مواد (۲)۴ و (۴)۱۱) و مقرراتی که اگرچه به‌طور صریح به مصونیت دولتی اشاره نمی‌کنند، تفسیر و اجرای کامل آن‌ها مستلزم توجه به مصونیت‌های دولت و موجودیت‌های دولتی است (مواد (۲)۳، (۱)۴ و (۱)۱۰).

(Certain Iranian Assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 51).

77. Certain Iranian assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 33.

۷۸. ماده ۳۶ بند ۱: «دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که طرفین دعوا به آن ارجاع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاصی که به موجب منشور ملل متحد یا به موجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش‌بینی شده است، صلاحیت دارد».

۷۹. ماده ۲۱ بند ۲: «هر اختلافی بین طرفین معظمین متعاهدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت‌بخش فیصله نیابد، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد، مگر اینکه طرفین معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح‌جویانه دیگری حل شود».

80. Samuel Wordsworth.

مرحله رسیدگی ماهیتی است.^{۸۱} ایالات متحده در مقابل استدلال می‌کند که عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» که در ماده ۴(۲) آمده، ناظر به حداقل استانداردهای رفتار نسبت به اموال خارجیان در دولت میزبان است که مفهومی شناخته‌شده در حقوق حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، و نه مصونیت دولت است و این واقعیت که در عهدنامه مودت، این حمایت از حقوق سرمایه‌گذاری به‌طور همزمان و غیرقابل تبعیض شامل شرکت‌های خصوصی و دستگاه‌های دولتی می‌شود، اثبات می‌کند که ماده ۴(۲) نمی‌تواند متضمن حاکمیت دولت باشد.^{۸۲}

پس از استدلال و دفاعیات طرفین پرونده، دیوان بدون بررسی ماهیت حقوقی بانک مرکزی به‌عنوان شرکت، اعلام می‌کند که چون طرف‌ها در مقدمه عهدنامه، هدف خود را تشویق سرمایه‌گذاری و تجارت پرسود دوجانبه و مراودات اقتصادی نزدیک میان اتباعشان و تنظیم روابط کنسولی اعلام کرده‌اند و با توجه به‌عنوان عهدنامه مودت، تفسیر ایران از ماده ۴(۲) عهدنامه و استناد به عبارت «مقتضیات حقوق بین‌الملل» در ماده مزبور، با موضوع و هدف عهدنامه تطبیق نمی‌کند. همچنین به نظر دیوان، عبارت حقوق بین‌الملل در این ماده، محدود به استاندارد حمایت حداقلی از اموال فعالان اقتصادی هر یک از طرف‌ها در سرزمین طرف دیگر عهدنامه است و ارتباطی به واحدها و مؤسسه‌های دولتی بر اساس اصل برابری حاکمیت دولت‌ها ندارد و شامل آن‌ها نمی‌شود. دیوان با بررسی سایر جمله‌ها و عبارات بند دوم و همچنین بند ۱ ماده ۴ به این نتیجه می‌رسد که هدف این ماده، تضمین برخی حقوق و حمایت‌های حداقلی برای اشخاص حقیقی و حقوقی درگیر در فعالیت‌های اقتصادی است و شامل قواعد عرفی بین‌المللی مربوط به مصونیت دولت نمی‌شود.^{۸۳}

در نهایت، دیوان در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ بهمن ۱۳۹۷) با رد چهار ایراد از پنج ایراد مطروحه ایالات متحده،^{۸۴} صلاحیت خود را برای ورود به ماهیت دعوا احراز کرد. نکته حائز اهمیت در این رأی این است که هرچند احراز صلاحیت دیوان، موفقیت قابل توجهی برای ایران محسوب می‌شد، پذیرش ایراد صلاحیتی دوم امریکا که متمرکز بر رد صلاحیت دیوان بر اساس اصل حقوق بین‌الملل عرفی «مصونیت بانک مرکزی» بود، وضعیت دعوا را به سوی تعادل پیش برد. دیوان در رأی خود نتوانست از استدلال خواهان به این نتیجه برسد که میان موضوع و هدف و همچنین سیاق کلی عبارات عهدنامه از یک سو و ادعای ایران مبنی بر لزوم توسل به مصونیت دولت به‌عنوان یکی از

81. Verbatim Record of 10 October 2018 (Samuel Wordsworth), p. 21, para. 33-34.

82. Certain Iranian assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, paras. 54-55.

83. Ibid., 57-58.

۸۴. پنج ایراد ایالات متحده عبارت‌اند از: سه مورد ایراد صلاحیتی (اول: ادعاهای خواهان مشمول استثنای موضوع ماده ۲۰ عهدنامه مودت؛ ایرادهای دوم و سوم نیز به‌ترتیب، عدم شمول عهدنامه درباره مصونیت دولتی و نیز عدم شمول آن نسبت به بانک مرکزی به‌عنوان «شرکت» است) و دو مورد ایراد عدم قابلیت استماع (سوءاستفاده از روند دادرسی و عدم پاکدستی مدعی).

قواعد حقوق بین‌الملل (مورد اشاره در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه) از سوی دیگر، رابطه منطقی وجود دارد؛ لذا مسائل مربوط به مصونیت دولت را خارج از مفاد و بستر عهدنامه و همچنین صلاحیت خود تشخیص داد.^{۸۵} بنابراین دیوان صلاحیت خود را بدین شرح صادر کرد:

۱. دیوان به اتفاق آرا اعتراض مقدماتی نخست به صلاحیت، مطروحه از جانب ایالات متحده را رد می‌نماید؛
۲. با یازده رأی در مقابل چهار رأی، ایراد مقدماتی دوم به صلاحیت، مطروحه از جانب ایالات متحده را تأیید می‌نماید؛
۳. با یازده رأی در مقابل چهار رأی، اعلام می‌کند که ایراد مقدماتی سوم به صلاحیت، مطروحه از جانب ایالات متحده، با لحاظ وضعیت پرونده، منحصراً ماهیت مقدماتی ندارد؛
۴. به اتفاق آرا، اعتراضات مقدماتی در مورد قابلیت پذیرش، مطروحه از جانب ایالات متحده را رد می‌کند؛
۵. به اتفاق آرا، با مدنظر قراردادن قسمت‌های ۲ و ۳ بند حاضر، صلاحیت خود را برای صدور حکم در مورد دادخواست ثبت‌شده ایران مورخه ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ احراز کرده و دادخواست مزبور را قابل پذیرش تلقی می‌کند.^{۸۶}

۵. رأی ماهیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی دارایی‌های ایران ۲۰۲۳

همان‌طور که در بند ۴ پژوهش حاضر گفته شد، دیوان در قضیه برخی دارایی‌های ایران، صلاحیت خود را برای رسیدگی به درخواست‌های ایران در خصوص نقض عهدنامه مودت ایران - ایالات متحده احراز کرد. در این رأی، دیوان ایراد عدم صلاحیت خود بر اساس استثنای ماده ۲۰ بند ۱ عهدنامه مودت را نمی‌پذیرد؛ به‌علاوه اینکه دیوان می‌پذیرد نهادهایی که کار حاکمیتی می‌کنند، می‌توانند مشمول عنوان «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت باشند. دیوان در بندهای ۸۷ و ۹۷ رأی صلاحیتی ۲۰۱۹ اعلام کرد که مانعی وجود ندارد یک موجودیت حاکمیتی بتواند اقدامات تجاری انجام دهد. از این رو با توجه به اینکه تمام حقایق لازم را برای تعیین اینکه آیا فعالیت‌های بانک مرکزی ایران تجاری بوده یا خیر، در اختیار ندارد، از طرفین به‌ویژه ایران خواست تا دلایل تکمیلی خود را در این خصوص در مرحله ماهوی ارائه کنند. دیوان در این قسمت به طرح دفاعیات ایران و ایالات متحده در مورد شرکت بودن بانک مرکزی می‌پردازد که در لوایح کتبی و جلسات

^{۸۵} محسن عبدالهی و نرگس انصاری، «تحلیل روش استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در پذیرش ایراد مقدماتی دوم امریکا در قضیه برخی اموال ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۲۴، ۹۶ (۱۴۰۱): ۱۶۵.

^{۸۶} 86. Certain Iranian assets (Iran v. USA), I.C.J. Reports 2019, para. 126.

استماع بدان پرداخته‌اند اما دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲) با انحراف از این تصمیم خود، ادعای ایالات متحده در خصوص شرکت‌نبودن بانک مرکزی به معنای معاهده مودت را پذیرفت. با این حال، رهیافت دیوان در این خصوص نیازمند تأمل جدی است. در ادامه به اظهارات دیوان و سپس نظرات قضات محترم دیوان در این خصوص پرداخته می‌شود.

ایران به منظور نشان‌دادن اینکه بانک مرکزی در زمان مربوطه، فعالیت‌هایی را انجام می‌داد که برابر آن به‌عنوان شرکت در مفهوم معاهده مودت شناخته شود، ادعا می‌کند که نه تنها اساسنامه بانک مرکزی بلکه عملکرد این نهاد نیز نشان می‌دهد که بانک مرکزی در واقع به فعالیت‌های تجاری شرکت مشغول بوده است. ایران به قانون پولی و بانکی مصوب ۱۹۷۲ خود اشاره می‌کند که برخی اقدامات بانک مرکزی را حاکمیتی و برخی دیگر را تجاری تلقی کرده است و اجازه فعالیت تجاری را به بانک داده است. از منظر ایران، یکی از مصادیق این اقدام تجاری، سرمایه‌گذاری و مدیریت در حوزه اوراق تضامین است که بانک مرکزی در حدود ۲ میلیارد دلار نزد سیتی بانک نیویورک در میانه سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ انجام داده است و با توجه به کسب منفعت بانک مرکزی به واسطه این اقدام تجاری باید بر اساس قانون پولی و بانکی مبادرت به پرداخت مالیات کند.^{۸۷} ایران خاطر نشان می‌کند که این سرمایه‌گذاری‌ها باعث ایجاد سود می‌شود که بانک مرکزی بر اساس بند (الف) (۱) ماده ۲۵ قانون پولی و بانکی ایران موظف به پرداخت مالیات بوده است و بانک مرکزی در واقع مبلغ قابل توجهی مالیات در طول دوره موردنظر پرداخت کرده است. از نظر ایران، خرید اوراق قرضه موردنظر توسط بانک مرکزی و مدیریت سبد سرمایه‌گذاری آن، ماهیتاً فعالیت‌های تجاری است که به بانک اجازه می‌دهد در مفهوم معاهده به‌عنوان «شرکت» شناخته شود.^{۸۸}

ایران معتقد است طبق تصمیم ۲۰۱۹ دیوان برای فعالیت‌های تجاری، «ماهیت»^{۸۹} اقدامات انجام‌شده به جای تمرکز بر «کارکرد»^{۹۰} اقدام انجام‌شده، می‌تواند تجاری بودن آن را اثبات کند و ارتباط میان عملکرد حاکمیتی بانک و اقدام موردنظر، دلیل کافی برای محرومیت بانک مزبور از ماهیت تجاری تلقی نمی‌شود. ایران می‌افزاید که هم مقامات سیاسی و هم دادگاه‌های ایالات متحده نیز در رسیدگی‌های مرتبط با بانک مرکزی در محاکم این کشور، ماهیت اقدام بانک مرکزی ایران را در خرید اوراق قرضه، تجاری تلقی کرده و به این ترتیب، آن‌ها را واجد مصونیت قلمداد نکرده است. علاوه بر این، خواهان ادعا می‌کند که در رویه قضایی، دیدگاه گسترده‌ای وجود دارد که تأیید می‌کند در توصیف یک فعالیت به‌عنوان تجاری، تمرکز باید بر ماهیت فعالیت باشد نه بر هدف اساسی آن موضوع.

87. Certain Iranian assets (Iran v. USA), Judgement, I.C.J. Reports (2023): para. 37.

88. Ibid., 38.

89. Nature.

90. Function.

در مقابل، ایالات متحده ادعا کرد ماهیت فعالیت‌های ذکر شده توسط ایران به گونه‌ای نیست که اجازه دهند بانک مرکزی در مفهوم معاهده به‌عنوان شرکت معرفی شود. به گفته خواننده، اقدام بانک مرکزی در چارچوب سنتی فعالیت‌های حاکمیتی قابل توصیف است که معمولاً بانک مرکزی انجام می‌دهد زیرا بانک مرکزی از این طریق مبادرت به مدیریت ذخایر ارزی خود نموده که اقدام حاکمیتی است. خواننده تأکید می‌کند که در رسیدگی‌های دادگاه‌های ایالات متحده، به‌ویژه پرونده پترسون، بانک مرکزی همواره فعالیت‌های مورد بحث را به‌عنوان فعالیت‌های مستقل خود به‌عنوان بانک مرکزی و نه به‌عنوان عملیات تجاری معرفی می‌کرده است. به‌عنوان مثال، به بیانیه بانک متکی است که: «بانک مرکزی ایران، مانند سایر بانک‌های مرکزی، ذخایر ارزی را برای اجرای سیاست‌های پولی مانند حفظ ثبات قیمت‌ها نگهداری می‌کند. همچنین مانند سایر بانک‌های مرکزی، اغلب ذخایر اوراق قرضه صادر شده از دولت‌های خارجی یا «فراملیتی‌ها» مانند بانک سرمایه‌گذاری اروپا را حفظ می‌کند».^{۹۱} به‌علاوه اینکه به‌طور واضح، فعالیت‌های بانک مرکزی مانند سرمایه‌گذاری ذخایر ارزی از راه دور با «فعالیت‌های تجاری، صنعتی، کشتی‌رانی یا سایر فعالیت‌های تجاری» که ماده ۱۱ بند ۴ به آن مربوط است، قابل مقایسه نیست. در عوض، فعالیت‌های بانک مرکزی در خدمت یک «هدف مهم دولتی است». ایالات متحده استدلال می‌کند که دیوان باید بر ادعاهای خود بانک مرکزی تکیه کند.

پس از این مرحله، دیوان با یادآوری تصمیم ۲۰۱۹ خود بیان نمود که طبق معاهده مودت، اولاً یک واحد تجاری تنها در صورتی می‌تواند «شرکت» شناخته شود که شخصیت حقوقی خود را داشته باشد که توسط قانون کشور مؤسس شرکت به آن اعطا شده است؛ و دوم، نهادی که تمام یا قسمتی از آن متعلق به یک دولت بوده باشد. بنابراین دیوان معتقد است که بانک مرکزی که دارای شخصیت حقوقی خاص خود است که قوانین ایران به آن اعطا کرده است و ایالات متحده نمی‌تواند آن را مورد مناقشه قرار دهد، صرفاً به این دلیل که کاملاً متعلق به دولت ایران که قدرت هدایت و کنترل دقیقی بر فعالیت‌های بانک دارد، از رده «شرکت‌ها» مستثنا نمی‌شود.^{۹۲} سپس دیوان تفسیر ایران را رد کرد که بر اساس آن ماهیت فعالیت‌های انجام‌شده یک نهاد خاص به منظور توصیف آن واحد به‌عنوان «شرکت» بی‌اهمیت است و لذا این موضوع مرتبط نیست به اینکه واحد موردنظر، وظایفی با ماهیت حاکمیتی، یعنی اعمال حاکمیتی یا اقتدار عمومی یا فعالیت‌هایی با ماهیت تجاری و صنعتی یا در واقع ترکیبی از هر دو نوع فعالیت را انجام می‌دهد. دیوان به این نتیجه رسید که داشتن شخصیت حقوقی مجزا، شرط لازم و کافی برای توصیف یک نهاد معین به‌عنوان «شرکت» در معنای معاهده، مردود است. از نظر دیوان، چنین تفسیری نمی‌تواند زمینه

91. Certain Iranian assets (Iran v. USA), Judgment, I.C.J. Reports 2023, para. 39.

92. Ibid., 40.

تعریف ارائه شده در بند ۱ ماده ۳ و هدف معاهده مودت را در نظر بگیرد. همان طور که دیوان بیان نموده، هدف این معاهده، «تضمین حقوق و اعطای حمایت‌ها برای اشخاص حقیقی و حقوقی است که در فعالیت‌هایی با ماهیت تجاری فعالیت می‌کنند، حتی اگر این اصطلاح اخیر به معنای وسیع درک شود». بدین ترتیب، طبق نظر دیوان، «نهادی که منحصرأً فعالیت‌های مستقل و مرتبط با وظایف حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد، نمی‌تواند در مفهوم معاهده به‌عنوان «شرکت» شناخته شود و در نتیجه نمی‌تواند از حقوق و حمایت‌های پیش‌بینی شده در مواد ۳ تا ۵ معاهده مودت بهره‌مند شود». با این حال، دیوان معتقد است هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از مشارکت یک نهاد حاکمیتی در فعالیت‌های دارای ماهیت تجاری (یا به‌طور کلی‌تر، فعالیت‌های تجاری) و فعالیت‌های مستقل شود.^{۹۳}

پرسشی که دیوان در این مرحله مطرح می‌کند آن است که آیا ایران توانسته در تمامی مراحل رسیدگی از جمله در مرحله ماهوی اثبات کند که بانک مرکزی ایران در فاصله زمانی مورد بحث یعنی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ مبادرت به انجام فعالیتی تجاری کرده است یا خیر؟ دیوان در این خصوص خاطرنشان کرد که طبق قوانین ایران، بانک مرکزی می‌تواند فعالیت‌های متعددی از جمله عملیات تجاری انجام دهد اما «خواهان تلاش چندانی برای اثبات وجود چنین فعالیت‌هایی انجام نداده است».^{۹۴} در طول دوره مربوطه، که می‌توان آن را با این واقعیت توضیح داد که استدلال اصلی ایران در آن زمان این بوده که ماهیت فعالیت‌های انجام شده برای توصیف واحد تجاری به‌عنوان شرکت در معنای معاهده ارتباطی نداشت،^{۹۵} دیوان برخلاف نظر ایران معتقد است از تصمیم ۲۰۱۹ چنین بر نمی‌آید که تنها «ماهیت» اقدام، نقش تعیین‌کننده در اثبات تجاری بودن داشته باشد بلکه تصمیم ۲۰۱۹ در مقام بیان این نکته نبوده که اعلام کند، نیازی به هیچ‌گونه ارتباطی میان اقدام مورد بحث یعنی خرید اوراق قرضه با کارکرد حاکمیتی بانک مرکزی نیست. دیوان معتقد است در زمان مورد بحث باید اقدامات بانک مرکزی در بستر خود دیده شوند و توجه خاصی به هرگونه ارتباط میان این اقدام و کارکرد حاکمیتی بانک مرکزی صورت گیرد.^{۹۶} همچنین دیوان به این نکته اشاره دارد که در رسیدن به این نتیجه‌گیری که بانک مرکزی یک شرکت در معنای عهدنامه مودت

93. Ibid., 42-44.

94. دیوان در این رابطه خاطرنشان می‌کند که تنها فعالیت‌هایی که ایران برای یافتن توصیف بانک مرکزی به‌عنوان شرکت بر آن تکیه می‌کند، خرید اوراق قرضه منتشر شده در بازار مالی ایالات متحده برای مدیریت عواید ناشی از آن بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ است. به نظر دیوان، این عملیات برای اثبات اینکه بانک مرکزی در زمان مربوطه به فعالیت‌هایی با ماهیت تجاری مشغول بوده کافی نیست. در واقع، عملیات مورد نظر در چارچوب و در راستای اهداف اصلی فعالیت بانک مرکزی انجام شده است که از آن جدایی‌ناپذیر است. آن‌ها صرفاً راهی برای اعمال عملکرد حاکمیتی خود به‌عنوان بانک مرکزی هستند، و نه فعالیت‌های تجاری انجام شده توسط بانک مرکزی در کنار وظایف حاکمیتی. (Ibid., para. 49-50)

95. Ibid., 45.

96. Ibid., 47-48.

نیست، توجهی به دفاعیات بانک مرکزی نزد محاکم ایالات متحده و اظهارات مقامات سیاسی و محاکم ایالات متحده نداشته است. ضمن اینکه دیوان معتقد است اظهارات بانک مرکزی طبیعتاً برای قانع کردن محاکم ایالات متحده برای برخورداری از مصونیت بوده و این اظهارات قابل تحمیل بر دولت ایران در این دعوا نیست. از سویی دیوان می‌پذیرد مقامات سیاسی و محاکم ایالات متحده در رسیدگی‌های انجام‌شده در ایالات متحده بر تجاری بودن اقدامات بانک مرکزی ایران تأکید داشتند. با این حال، «دیوان معتقد است ملاحظاتی که از سوی بانک مرکزی در آن رسیدگی‌ها مطرح شده است، دقیقاً واقعیت فعالیت‌های بانک مرکزی را منعکس می‌کند».^{۹۷} در نهایت با توجه به استدلال‌های طرفین، دیوان اعلام می‌کند که صلاحیت موضوعی لازم بر اساس معاهده مودت برای ورود به ادعای مربوط به بانک مرکزی را ندارد و در قسمت یک از بخش اجرایی رأی (بند ۲۳۶) با نصاب ۱۰ به ۵ (قضات مخالف: بنونا، یوسف، رابینسون، سلام، ممتاز) آن را خارج از صلاحیت خود اعلام می‌کند.

لازم به ذکر است با بررسی نظریات قضات مخالف،^{۹۸} نکته‌ای که توجه قضات مخالف را معطوف به خود کرده، تغییر تأکید دیوان از معیار «ماهیت» فعالیت‌های مورد بحث بانک مرکزی به معیار «کارکرد» این نهاد بوده است. در واقع، دیوان از معیار معرفی‌شده خود در ۲۰۱۹ نسبت به ۲۰۲۳ عدول کرده است؛ در حالی که دیوان همواره سعی داشته مأخوذ به رویه قضایی خود باشد و تنها در صورت وجود دلیل قانع‌کننده، از آن عدول نماید. دیوان در تصمیم ۲۰۲۳ اعلام می‌کند تصور ایران از تأکید بر ماهیت اقدام بانک مرکزی نسبت به آورده دیوان در ۲۰۱۹ اشتباه بوده است. دیوان در بند ۵۱ خود اظهار می‌دارد: «برخلاف ادعاهای ایران، از رأی ۲۰۱۹ چنین بر نمی‌آید که برای تعیین اینکه آیا یک فعالیت، تجاری است یا خیر، لازم باشد تنها بر خود فعالیت مربوطه، آن‌چنان که هست، تمرکز شود و لزومی به توجه به کارکردی که فعالیت موردنظر با آن به نوعی در ارتباط است، وجود نداشته باشد». البته در رأی ۲۰۱۹، پرسش تعیین‌کننده دیوان این بوده که آیا بانک مرکزی در کنار فعالیت‌های حاکمیتی خود، در حال انجام اقداماتی دیگر با ماهیت تجاری

97. Ibid., 5-52.

۹۸. قاضی بنونا (بند ۱۷) معتقد است دیوان در مرحله ایرادات مقدماتی به‌صورت واضح در مورد معیار ارائه‌شده تعیین تکلیف کرده بود (۳) و با توسل به معیار کارکرد، از نظر دیوان، تمامی فعالیت‌های فرعی با ماهیت تجاری بانک مرکزی نیز باید تحت شعاع کارکرد حاکمیتی‌اش قرار گیرد. از نظر قاضی سلام (بند ۸)، اگر دیوان با صداقت و به‌درستی خط استدلالی تصمیم ۲۰۱۹ را در پیش می‌گرفت، نتیجه دیگری در این قسمت در مورد بانک مرکزی به دست می‌آمد. همین دیدگاه را قاضی رابینسون (بند ۹) دارد. از طرفی دیگر، برابر نظر قاضی سلام (بند ۱۴) این نحوه قرائت اکثریت قضات پرسش‌برانگیز است. در آخر، قاضی ممتاز (بند ۹) نیز این اقدام دیوان را نوعی نوآوری تلقی کرده است که با معیار معرفی‌شده در تصمیم ۲۰۱۹ و موضوع و هدف معاهده مودت همخوانی ندارد.

(Certain Iranian assets (Iran v. USA), Judgment, I.C.J. Reports 2023, Separate Opinion of Judges Benona & Salam & Rabinson & Momtaz).

بوده است یا خیر؟ دیوان تعیین نکرده که چه اقداماتی خاص دارای ماهیت تجاری بوده‌اند یا خیر، و لازم نیست تا هرگونه ارتباط احتمالی این فعالیت‌ها با کارکرد حاکمیتی مدنظر قرار گیرند. کاملاً برعکس، دیوان معتقد است معیار قبلی (یعنی معیار کارکرد، در این قضیه) مرتبط^{۹۹} است. در واقع، در اثبات اینکه نهاد موردنظر می‌تواند به‌عنوان شرکت (در معنای معاهده مودت) طبقه‌بندی شود یا خیر، نباید ملاحظات خود را به یک معامله (یا یک سری معاملات) آن واحد، آن چنان که هستند، محدود کرد. این معامله یا این سری از معاملات باید در بستر خود دیده شوند و هرگونه ارتباط احتمالی که با اعمال کارکرد حاکمیتی دارند، مدنظر قرار گیرند. بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، دیوان به‌صراحت از آنچه در تصمیم ۲۰۱۹ خود گفته عدول کرده و در تصمیم ۲۰۲۳ در صدد توجیه استدلال خود مبنی بر شرکت‌نبودن بانک مرکزی برآمده است.

مسئله قابل تأمل این است که آیا دیوان از حاکمیتی‌بودن اقدامات بانک مرکزی آگاه نبوده است؟ دیوان به‌صراحت در تصمیم ۲۰۱۹ به‌رغم اذعان به حاکمیتی‌بودن یک واحد معین، معتقد است که واحد مزبور می‌تواند فعالیت تجاری نیز داشته باشد. اگر قرار بوده از ابتدا دیوان تأکید اصلی را بر حاکمیتی‌بودن اقدامات بانک مرکزی قرار دهد، چرا باید از ایران بخواهد در خصوص ماهیت تجاری عمل مورد بحث، بانک مرکزی در خرید اوراق قرضه در مرحله ماهوی، دلیل و توجیه بیشتری ارائه کند. اصولاً اگر دیوان به اندازه رأی ۲۰۲۳ در رأی ۲۰۱۹ به این اکتفا رسیده بود، چرا باید ایراد ایالات متحده دال بر شرکت‌نبودن بانک مرکزی را دارای ویژگی مقدماتی نداند و آن را به مرحله ماهوی موکول کند؟ می‌توانست از همان ابتدا تکلیف طرفین را در مورد ارتباط مصونیت اموال بانک مرکزی و معاهده مودت مشخص نماید. این نکته به نوعی در نظریه جداگانه قاضی بنونا (بند ۴)^{۱۰۰} و قاضی یوسف (بند ۹)^{۱۰۱} نیز قابل مشاهده است. از نظر قاضی یوسف (بند ۱۰): «پیوند یک فعالیت تجاری با یک کارکرد مستقل، آن را به یک فعالیت مستقل تبدیل نمی‌کند و ماهیت آن را به‌عنوان فعالیت تجاری سلب نمی‌کند. بنابراین، ایجاد معیاری جدید مورد استفاده توسط

99. Relevant.

۱۰۰. بند ۴ نظر جداگانه قاضی بنونا: «دیوان در مورد این موضوع، با اثر مقتضی اعلام کرد که «سومین اعتراض اولیه نسبت به صلاحیت که توسط ایالات متحده امریکا مطرح شده است، در شرایط پرونده، دارای ماهیت منحصرأ مقدماتی نیست؛ با این حال، برای اطمینان از آنچه مشمول حکم صادره است، ممکن است لازم باشد که معنای ماده اجرایی با استناد به استدلال مندرج در حکم مورد بحث مشخص شود. اگر این‌طور نبود و اگر دیوان تشخیص می‌داد که وظیفه اصلی بانک مرکزی حاکمیتی است، نمی‌توانست فعالیت جداگانه‌ای با ماهیت تجاری داشته باشد که به آن اجازه دهد به‌عنوان شرکت در مفهوم شرکت شناخته شود. بر اساس معاهده مودت، دیوان اعتراض اولیه ایالات متحده را به‌طور کامل تأیید می‌کرد».

۱۰۱. بند ۹ نظر جداگانه قاضی یوسف: «با این حال، در رأی حاضر که به مرحله ماهیت همان پرونده می‌پردازد، اکثریت درگیر انحراف هستند و معیار جدیدی را ارائه می‌دهند که به عملکرد نهاد مربوطه اهمیت می‌دهد... اگر ماک تعیین‌کننده ارتباط فعالیت‌ها با عملکرد حاکمیتی بانک مرکزی باشد، دلیلی وجود نداشت که دیوان اصرار کند که شواهد لازم برای تعیین اینکه فعالیت‌های بانک مرکزی در ایالات متحده به‌عنوان شرکت انجام شده، وجود ندارد».

دیوان در میانه جریان رسیدگی از نظر حقوقی کاملاً اشتباه است و مبنایی در معاهده مودت ندارد.^{۱۰۲} سرانجام قاضی نولته (بندهای ۳ و ۱۵) ضمن همراهی با اکثریت قضات در شرکت تلقی نکردن بانک مرکزی، معتقد است اگر اقدامات بانک مرکزی را صندوق ثروت ملی^{۱۰۳} یک کشور انجام دهد، می‌تواند تجاری باشد اما رویه بیشتر بانک‌های مرکزی کشورها نشان می‌دهد خرید اوراق قرضه یک اقدام حاکمیتی است. از این رو وی معتقد است ماهیت اقدامات بانک مرکزی نیز مؤید تجاری نبودن آن‌هاست. وی این نگاه را با توجه به ماده ۲۱ کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها^{۱۰۴} و همچنین تصمیم مرتبط دیوان عالی سوئد^{۱۰۵} در ۲۰۲۱ ارائه داده است. با این اوصاف از سوی دیگر، دیوان، بانک مرکزی ایران را به‌طور ضمنی دارای مصونیت تلقی کرده است. این برداشت از مفهوم مخالف ذیل بند ۵۲ رأی ۲۰۲۳ برمی‌آید: «هرچند دیوان معتقد است اظهاراتی که بانک مرکزی در رسیدگی‌های قضایی انجام شده در دعوی پترسون نزد محاکم ایالات متحده انجام داده است، دقیقاً واقعیت فعالیت‌های این بانک را نشان می‌دهد».^{۱۰۶} در واقع، دیوان با این عبارت‌پردازی که به نظر می‌رسد لزومی هم به بیان آن نداشت، در صدد انتقال این نکته بوده که به‌رغم شرکت تلقی نکردن بانک مرکزی در این قضیه، دیوان معتقد است بانک مرکزی اساساً دارای مصونیت بوده و بدیهی است زمانی که در محاکم ایالات متحده نیز در صدد دفاع از خود برآمده نیز دیوان این مصونیت را محرز تلقی کرده است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که دیوان در میانه ادعای متعارض بانک مرکزی و ایالات متحده در دو برهه زمانی دفاعیات در دعوی پترسون نزد محاکم ایالات متحده (که بانک مرکزی معتقد به مصونیت داشتن اقداماتش و مقامات سیاسی و محاکم ایالات متحده اعتقاد به تجاری بودن اقداماتش داشتند) و دفاعیات ایران و ایالات متحده نزد دیوان در این قضیه (که ایران معتقد به تجاری بودن فعالیت بانک مرکزی در خرید اوراق قرضه و در نتیجه، «شرکت معرفی نمودن» و ایالات متحده معتقد به «حاکمیتی بودن» اقدامات بانک مرکزی بود)، مفهوم مخالف ذیل بند ۵۲ تصمیم ۲۰۲۳ دیوان نشان می‌دهد از نظر دیوان، بانک مرکزی از مصونیت برخوردار است. البته قاضی رابینسون (بند ۱۵) معتقد است دیوان نباید وارد این بازی بی‌نتیجه طرفین دعوا در خصوص تغییر مواضع‌شان در محاکم ایالات متحده و دیوان می‌شد.^{۱۰۷} در پایان، رأی ماهوی دیوان در مورد پرونده برخی دارایی‌های ایران (ایران در برابر ایالات متحده) به شرح ذیل صادر شد:

102. Ibid., 10.

103. Sovereign Wealth Fund.

104. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, (2004) A. 21.

105. The Swedish Supreme Court: Certain property owned by a central bank is not protected from enforcement according to international principles of state immunity. Available at <https://www.magnussonlaw.com/news/>, last accessed on March 5, (2024).

106. Certain Iranian assets (Iran v. USA), Judgment, I.C.J. Reports (2023): para. 52.

107. Ibid., Separate Opinion of Judge Rabinson. para. 15.

۱. با ده رأی موافق در برابر پنج رأی مخالف، اعتراض به صلاحیت قضایی ایالات متحده را در رابطه با دعوی ایران بر اساس مواد ۳، ۴ و ۵ عهدنامه مودت، تا جایی که به رفتار با بانک مرکزی مربوط است، تشخیص می‌دهد که صلاحیت رسیدگی به آن ادعاها را ندارد.
۲. با سیزده رأی موافق در مقابل دو، ایراد قابل پذیرشی را که توسط ایالات متحده در رابطه با کوتاهی شرکت‌های ایرانی در تکمیل راه‌های داخلی مطرح شده بود، رد می‌کند.
۳. با هشت رأی موافق در مقابل هفت، به این نتیجه می‌رسد که ایالات متحده تعهدات خود را طبق بند ۱ ماده ۳ عهدنامه مودت نقض کرده است.
۴. با دوازده رأی موافق در مقابل سه، به این نتیجه می‌رسد که ایالات متحده تعهدات خود را طبق بند ۱ ماده ۴ عهدنامه مودت نقض کرده است.
۵. با یازده رأی موافق در مقابل چهار، به این نتیجه رسید که ایالات متحده تعهدات خود را طبق بند ۲ ماده ۴ عهدنامه مودت نقض کرده است یعنی دارایی اتباع و شرکت‌های طرف‌های متعاقد «نباید تصرف شود مگر برای یک هدف عمومی و همچنین نباید بدون پرداخت سریع غرامت منصفانه گرفته شود».
۶. با ده رأی موافق در مقابل پنج، به این نتیجه رسید که ایالات متحده تعهدات خود را طبق بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت نقض کرده است.
۷. با سیزده رأی موافق در مقابل دو، نتیجه می‌گیرد که ایالات متحده موظف به جبران عواقب زیان‌بار نقض تعهدات بین‌المللی مذکور در بندهای ۳ تا ۶ فوق به ایران است.
۸. با چهارده رأی موافق در مقابل یک، تصمیم می‌گیرد در صورت عدم توافق طرفین در مورد غرامت ایران، ظرف مدت ۲۴ ماه از تاریخ صدور حکم حاضر، این موضوع به درخواست هر یک از طرفین انجام و توسط دیوان حل و فصل می‌شود و برای این منظور رویه بعدی پرونده را محفوظ می‌دارد.
۹. به اتفاق آراء، سایر موارد ارسالی طرفین را رد می‌کند.^{۱۰۸}

نتیجه

مصونیت، استثنایی بر صلاحیت هنجاری و عملیاتی دولتی در کشور دیگر است. اما این امر، کشورها را از صلاحیت حقوق بین‌الملل مستثنا نمی‌کند، بلکه آن‌ها در رابطه با اقدامات موضوع مصونیت، تابع مقررات حقوق بین‌الملل هستند؛ به این معنی که اگر یک دولت یا مؤسسات دولتی در یک کشور خارجی مرتکب اعمال موجد مسئولیت طبق حقوق داخلی شوند، هیچ‌یک از مقامات قضایی و اجرایی محل وقوع عمل خلاف نمی‌تواند به دلیل مصونیتی که آن دولت یا مؤسسات دولتی

دارند، آن‌ها را محاکمه کنند یا اقدامات اجرایی علیه آن‌ها معمول دارند. به عبارتی تمامی اموال، اماکن، متعلقات و منضمات مادی و غیرمادی دولتی یک کشور در کشور دیگر باید محترم شمرده شوند و مصون از هرگونه تعرض باشند. طبق ماده ۵ کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد، هر دولتی، خود و اموالش در برابر دادگاه‌های کشور دیگر از مصونیت قضایی برخوردار است. از سویی با نگاه به رأی دیوان در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت‌ها هم می‌توان به این نتیجه رسید که امروزه مصونیت دولت‌ها به‌عنوان اصل کلی حقوق بین‌الملل که ریشه در قواعد عرفی دارد پذیرفته شده است. اما هر از چند گاهی، وقایعی در عرصه بین‌المللی رخ می‌دهد که ضرورت بازنگری و تبیین جدیدی از موضوع را ایجاب می‌کند و این خود زمینه‌ساز و انگیزه اساسی اقدامات جامعه بین‌المللی در راستای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است.

هدف از مصونیت، احترام به حاکمیت کشورهاست و از این رو، میان مصونیت و برابری حاکمیت، پیوندی مستقیم و گسترده وجود دارد. امروزه دامنه شمول مصونیت، محدود به اعمال حاکمیتی (مصونیت محدود به‌جای مصونیت مطلق) است. طبق ماده ۱۰ کنوانسیون ۲۰۰۴، کشوری که در یک معامله تجاری وارد می‌شود، نمی‌تواند در دعاوی ناشی از این معامله، به مصونیت خود استناد کند. این در واقع یکی از استثنائاتی است که در مقابل مصونیت قرار دارد. استثناهایی دیگر بر مصونیت دولت‌ها در مقابل دادگاه‌های داخلی خارجی در اسناد حقوقی جاری و در رویه قضایی دیده می‌شود؛ از جمله قانون مصونیت دولت خارجی ایالات متحده مصوب ۱۹۷۶ نظریه مصونیت محدود را با استثناهایی پذیرفته است. این قانون با تصویب قانون دیگری با عنوان قانون ضد تروریسم و مجازات مؤثر در ۱۹۹۶ دستخوش اصلاحاتی شده است. سپس در ۲۰۰۲ (۱۳۸۰ شمسی) قانون بیمه خطر تروریسم، اجازه توقیف اموال دولت ایران به منظور اجرای آرای دادگاه‌های ایالات متحده در دعاوی علیه ایران را فراهم آورد. بعد از قانونگذاری ایالات متحده در این حوزه‌ها، دادگاه‌های داخلی این دولت، صلاحیت خود را در مورد دعاوی علیه ایران کسب کردند. مهم‌ترین اقدام در ۳۰ مه ۲۰۰۳ (۹ خرداد ۱۳۸۲) در دادگاه فدرال نیویورک، پرونده‌ای موسوم به پترسون بود که دادگاه با رسیدگی‌های غیابی، رأی بر محکومیت ۲ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار غرامت و دستور بر توقیف اموال ایران برای پرداخت به خانواده‌های قربانیان پترسون صادر کرد که منجر به توقیف اموال دولت ایران (اوراق بانک مرکزی) شد.

دولت ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵) با تقدیم دادخواستی ضمن اشاره به اقدامات ایالات متحده در ضبط و مصادره اموال و دارایی‌های خاص ایران (اوراق قرضه بانک مرکزی و اموال سایر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی) و با تأکید بر اینکه این اقدام دولت ایالات متحده با موازین حقوق بین‌الملل عرفی و به‌ویژه معاهده بین دو کشور موسوم به «عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و امریکا» در تعارض است، نزد دیوان شکایت کرد. ایالات متحده نیز

به‌عنوان خواننده با طرح ایرادات مقدماتی، دعوای ایران را غیرقابل استماع تلقی و نسبت به صلاحیت دیوان اعتراض کرد؛ ازجمله اینکه مصونیت مورد ادعای ایران در مورد بانک مرکزی موضوعی نیست که داخل در معاهده مودت قرار گیرد. و از سویی بانک مرکزی شرکت در معنای عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود. در مورد ایراد نخست که بخش عمده‌ای از تصمیم ۲۰۱۹ دیوان را به خود اختصاص داده و مرکز ثقل دفاع ایران در مورد بانک مرکزی محسوب می‌شد، دیوان ادعاهای ایران را نپذیرفت. از این رو، چاره‌ای نبود جز آنکه ایران، بانک مرکزی را به‌عنوان شرکت قلمداد کند. ایالات متحده نیز در ایراد دوم خود، خلاف این مسئله را مطرح کرده بود.

دیوان در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ بهمن ۱۳۹۷)، با اعلام صلاحیت خود ضمن رد اعتراض ایالات متحده، رسیدگی به پرونده را آغاز کرد و چنین اظهار داشت که بررسی دقیق اینکه بانک مرکزی در مفهوم «شرکت» موردنظر در عهدنامه مودت است یا خیر، دارای ویژگی ماهوی است و باید در مرحله ماهوی بدان رسیدگی نمود. بنابراین از ۲۸ الی ۳۱ شهریور ۱۴۰۱، جلسات استماع برای بررسی ابعاد ماهوی در دیوان مستقر در لاهه برگزار شد و در ۳۰ مارس ۲۰۲۳ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲) رأی ماهیتی دیوان اعلام شد. دیوان معتقد است که به دلیل ماهیت حاکمیتی بانک مرکزی، موضوع توقیف اوراق قرضه این نهاد، خارج از حمایت‌های مقرر در عهدنامه مودت قرار می‌گیرد و در نتیجه صلاحیتی برای ورود به آن ندارد. اما در بندهای اجرایی دیگر این رأی، دیوان در سه مورد خاص، ایالات متحده را به دلیل نادیده‌گرفتن شخصیت حقوقی سایر شرکت‌های ایرانی تحت حمایت معاهده مودت، توقیف و ضبط اموال آن‌ها برای آرای محاکم ایالات متحده و نقض تجارت میان دو کشور در اثر ایراد محدودیت بر نقل و انتقال مالی، به‌ترتیب مطابق بندهای ۱ ماده ۳، بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ و بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت، ناقض تعهدات ذی‌ربط به شمار آورد و اعلام کرد برای خسارت وارده به ایران یک فرصت ۲۴ ماهه از زمان صدور رأی جهت مذاکره میان طرفین برای تعیین میزان خسارت مقرر شده که پس از اتمام آن، هریک از طرفین می‌تواند برای تعیین دقیق میزان خسارت وارده به دیوان مراجعه نماید. ضمن اینکه دیوان سایر درخواست‌های طرفین را رد کرد.

قابل ذکر است که با بررسی عملکرد دیوان در تصمیمات صادره در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳ در پرونده برخی دارایی‌های ایران، به‌طور واضح آشکار می‌شود که دیوان در رأی ۲۰۲۳ از تصمیم ۲۰۱۹ عدول نموده و این اشکال از جهاتی قابل نقد است. نخست اینکه دیوان از وقایع اصلی در ارتباط با قانون پولی و بانکی ایران، ماهیت حاکمیتی بانک مرکزی و حقوق بین‌الملل عرفی حاکم بر موضوع آگاه بوده است و در رأی ماهیتی ۲۰۲۳ از تصمیم صلاحیتی ۲۰۱۹ خود منحرف شده است. دوم، دیوان عمل دولت ایالات متحده را در شناسایی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد تجاری نادیده گرفته است که مغایر با اصل استاپل است. ثالثاً دیوان با عدم ورود به قسمت عمده توقیف

دارایی ایران در رأی خود (خواستۀ اصلی ایران، مربوط به توقیف اوراق قرضه بانک مرکزی) کمک شایان و ارزنده‌ای به توسعه حقوق مصونیت دولتها به‌ویژه اموال بانک مرکزی به‌عنوان نهادی دارای کارکرد حاکمیتی نکرده (هرچند به‌طور ضمنی این مصونیت را شناسایی کرده است)، چون موضوع مصونیت کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد که می‌توانست به‌عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی که معاهده مودت باید در پرتو آن تفسیر و اجرا شود، نادیده گرفته شد. رابعاً دیوان برای انحراف از رویه خود، توجیهی منطقی اراده نکرده و به این بسنده نمود که درباره معیار هدف معاملات، در رأی سال ۲۰۱۹ چیزی نگفته است و همین هم به‌رغم اطلاع از قواعد موجود، نقص محسوب می‌شود. به نظر نگارندگان، باید این واقعیت را پذیرفت که منافع مالی رأی به نفع ایران صادر نشد و دیوان خود را برای رسیدگی به آن فاقد صلاحیت دانست. همان‌طور که قاضی بنونا (قاضی مراکشی دیوان) خاطرنشان کرده است، مهم‌ترین خواسته ایران در این ارتباط بود و طلب ایران در این خصوص در حدود یک میلیارد و نهصد میلیون دلار بود اما باقی ادعاهای ایران در مورد سایر شرکت‌ها تنها حدود ۲۵ میلیون دلار است. اما در زمینه مسائل حقوقی، ایران توانست به موفقیت‌های قابل‌توجهی دست یابد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. دیوان با رأی اکثریت بالا (۱۳ در مقابل ۲) رعایت قاعده طی کلیه مراجع داخلی در امریکا را برای شرکت‌های ایرانی در اثبات زیان‌های وارده لازم ندانست.
۲. دفاعیه امریکا مبتنی بر دکترین «دست‌های آلوده»، و نیز استناد به نظریه «سوءاستفاده از حق» و «حفاظت از منافع ضروری امنیتی» از سوی دیوان رد شد.
۳. دیوان احراز نمود که ایالات متحده بارها مواد عهدنامه مودت از جمله بند ۱ ماده ۳، بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ و بند ۱ ماده ۱۰ را نسبت به خود دولت ایران و شرکت‌های ایرانی (غیر از بانک مرکزی) نقض کرده است و باید در این ارتباط غرامت بپردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. انصاری معین، پرویز، مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱.
۳. عبدالهی، محسن، مصونیت قضایی دولت‌ها در حقوق بین الملل. تهران: انتشارات ریاست جمهوری، ۱۳۸۲.

- مقاله

۱. السان، مصطفی، «مصونیت بانک مرکزی در حقوق تجارت بین الملل»، فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی ۸، شماره ۲۳ (۱۳۹۴).
۲. حبیبی مجنده، محمد، سیدعلی حسینی آزاد و الناز رحیم خویی، «نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین المللی ۳۲، شماره ۵۲ (۱۳۹۳).
۳. خضری، سیدمرتضی، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین الملل»، پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی ۱، شماره ۳ (۱۳۹۱).
۴. سیف‌زاده، فرزانه، سیدقاسم زمانی، حسن سواری و مسعود راعی، «مصونیت دولت‌ها در پرتو دکترین مسئولیت حمایت»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی ۴۸، شماره ۱ (۱۳۹۷).
۵. زمانی، سیدقاسم و سهیلا کوشا، «صلاحیت معوق دیوان بین المللی دادگستری با تأکید بر رأی دیوان در اختلاف میان دولت‌های جیبوتی و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۱۴، شماره ۳۸ (۱۳۹۱).
۶. عالی‌دوست، محمد، مسعود راعی و علیرضا آرش‌پور، «تحریم بانک مرکزی ایران به مثابه تروریسم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش سیاست متعالیه ۱۰، شماره ۳۸ (۱۴۰۱).
۷. عبدالهی، محسن و نرگس انصاری، «تحلیل روش استدلال دیوان بین المللی دادگستری در پذیرش ایراد مقدماتی دوم آمریکا در قضیه برخی اموال ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی ۲۴، شماره ۹۶ (۱۴۰۱).
۸. عزیززی، ستار، «گستره استثنای شبه‌جرم در حقوق مصونیت دولت‌ها در آیین رأی مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی ۱۰۰ (۱۳۹۲).
۹. کرباسی، مهشید، علیرضا ظاهری، محسن عبدالهی و عباس کوچ‌نژاد، «مصونیت دولت‌ها و

- اموال آن‌ها در پرتو حقوق داخلی کشورها (مطالعه موردی ژاپن و ایتالیا)»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۲۱، شماره ۵۱ (۱۴۰۱).
۱۰. کرمزاده، سیامک، «صدور و اجرای آرای دادگاه‌های امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق امریکا»، *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی* ۹، شماره ۱ (۱۳۹۷).
۱۱. کدخدایی، عباسعلی و علی داعی، «سلب مصونیت دولت ایران در محاکم امریکا»، *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۷، شماره ۴۳ (۱۳۸۹).
۱۲. لسانی، سیدحسام‌الدین و احمد کاظمی، «توقیف اموال ایران در امریکا از دیدگاه حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌های برون‌مرزی»، *فصلنامه پژوهش رسانه بین‌الملل* ۳، شماره ۱ (۱۳۹۷).
۱۳. محبی، محسن و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)»، *فصلنامه قضاوت* ۱۹، شماره ۹۸ (۱۳۹۸).
۱۴. منفرد، مهوش و سیدحسام‌الدین لسانی، «مصونیت بانک مرکزی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم‌های ایالات متحده امریکا علیه بانک مرکزی ایران»، *فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی* ۴، شماره ۸ (۱۳۹۷).
۱۵. موسوی میرکلایی، سیدطه، «شخصیت حقوقی شرکت دولتی و مصونیت اموال دولتی در پرونده برخی اموال ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۵۱، شماره ۳ (۱۴۰۰).

ب. انگلیسی

- Books

1. Bankers, Ernest K. *The State Immunity Controversy in International Law: Private suits against Sovereign States in domestic Courts*, 1st ed. Berlin: Springer, 2005.
2. Clive, Parry and John P. Grant, and J. Craig Barker. *Parry & Grant Encyclopaedic Dictionary of International Law*. New York: Oxford University Press, 2009.
3. Combacau, Jean and Serge Sur, *Droit international public*, 4^e édition, Montchrestien, 1999.
4. Katzman, Kenneth, *Iran Sanction, Congressional Research Service*, Grs Report Prepared for Members and Committees of Congress, 7-5700, Rs20871, US, Library of Congress, 2017.
5. Malanczuk, Peter, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, 7th ed. Taylor & Francis e-library, Landon and New York, 2002.

6. Shaw, Malcom, *International Law*, 6th ed. Cambridge university press, 2008.

– Articles

1. Finke, Jasper, “Sovereign Immunity: Rule, Comity or Something Else?” *European Journal of International Law* 21, no. 4 (2011).
2. Karagiannakis, Magdalini, “State immunity and Fundamental Human Rights.” *Leiden Journal of International Law* 11, (1998).
3. Lauterpacht, Elihu, and Christopher J. Greenwood, “International Law Reports,” *Libyan Arab Socialist Peoples Jamhahirian V. Actimon SA, Switzerland, Federal Tribunal* 82, (1985).
4. Nagan, Winston, and Root, Joshua, “The Emerging Restrictions on Sovereign Immunity: Peremptory Norms of International Law, the UN. Charter, and the Application of Modern Communications Theory.” *UF Law Scholarship Repository*, (2013).
5. Wagner, Megan L. “Jurisdiction by Estoppel in the International Court of Justice.” *California Law Review* 74, no. 5 (1986).

- Cases

1. AIG Capital Partners Inc. v. Republic of Kazakhstan (2005) EWHC 2239 (Comm), 2006, 1 WLR 1420.
2. Bank Markazi v. Peterson et al. United States Supreme Court, 20 April 2016, 578 U.S. 1, 2016.
3. Ceskoslovenska Obchodni Banka, A.S. v. Slovak Republic (ICSID Case No. ARB/97/4)”, icsid.worldbank, last accessed May 17, 2017.
4. ICJ Reports, Case Concerning “Certain Iranian Assets” (Islamic Republic of Iran V. United States of America), 2017.
5. I.C.J Report, Jurisdictional Immunities of the State (*Germany v. Italy: Greece intervening*), 2012.
6. New England Merchants National Bank v. Iran Power and Others, 502 F.Supp. 120 Generation and Transmission Co S.D.N.Y. 1980.
7. Trendtex Trading Corp. Ltd v. Central Bank of Nigeria, 1977.
8. Peterson et al. v. Islamic Republic of Iran et al., United States District Court, Southern District of New York, 2013.

- International Documents

1. Charter of the United Nations, Article 2, para. 1.
2. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Application Instiuting Proceedings, 14 June 2016.
3. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2019.
4. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2023.

5. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Verbatim Record (Mohsen Mohebi) of 12 October 2018.
6. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Verbatim Record (Mohsen Mohebi), of 11 October 2018.
7. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Verbatim Record (Richard C. Visek) of 8 October 2018.
8. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Verbatim Record (Richard C. Visek) of 11 October 2018.
9. Certain Iranian assets (Iran v. USA), Judgment, I.C.J. Reports 2023, Separate Opinion of Judges Benona & Salam & Rabinson & Momtaz.
10. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening), Judgment I.C.J Report 2012. Separate Opinion of Bennouna, para. 3.
11. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2004, UN Doc A/RES/59/38.
12. United States Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA), Public Law. No. 94, 1976.
13. The Swedish Supreme Court: Certain property owned by a central bank is not protected from enforcement according to international principles of state immunity." Available at: <https://www.magnussonlaw.com/news/>, last accessed on March 6, 2024.